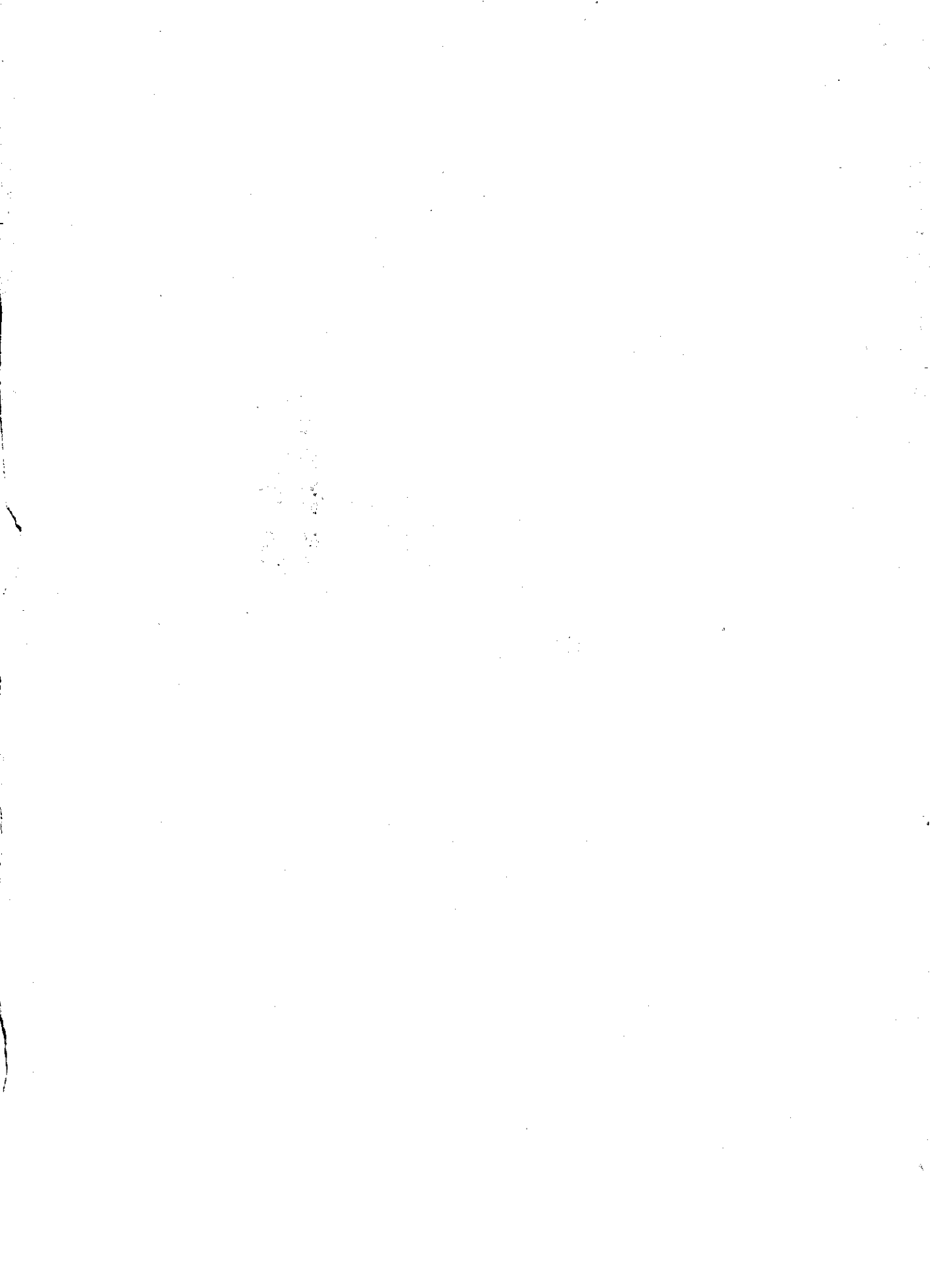




0600

12  
1-9



اجزاء قطعاً نباید پیش عزیزی داخل شوند و در امریسیه مدخله نمایند. حضرت عبدالباقی

صفحات

مطالب

—	۱- لوح مبارک حضرت عبدالباقی جل شانہ
۲۴۱	۲- دعا و مناجات
۲۵۶	۳- اخبار مصور
۲۵۸	۴- نشو و ارتقا
۲۶۶	۵- جهان در سال ۱۹۸۵
۲۷۰	۶- خادم برازندہ
۲۷۲	۷- اثر عشق ( شعر )
۲۷۴	۸- کانونشن ملی جوانان هند وراس
۲۷۷	۹- لیدیا زامہوف
۲۸۱	۱۰- گوشه ای از تاریخ قزوین
۲۸۸	۱۱- چه باید کرد؟
۲۹۰	۱۲- مصاحبه با جناب دکتر برافروخته
۲۹۴	۱۳- مجلس قدسیان ( شعر )
۲۹۵	۱۴- کتاب مستطاب اقدس
۲۹۸	۱۵- نامه تاریخی
۲۹۹	۱۶- قسمت نوجوانان

# آهنگ بدیع

سال

۲۳

شماره

۱۰۹۹

شهرالقول - شهرالشرف ۱۲۵ - آذر و دی ۱۳۴۷

مخصوص جامعه بهائی است

میرزا

اشمع شمس منعم محبت آید  
ایم صحرا جانقدر آید بر این گشت و پروردگار

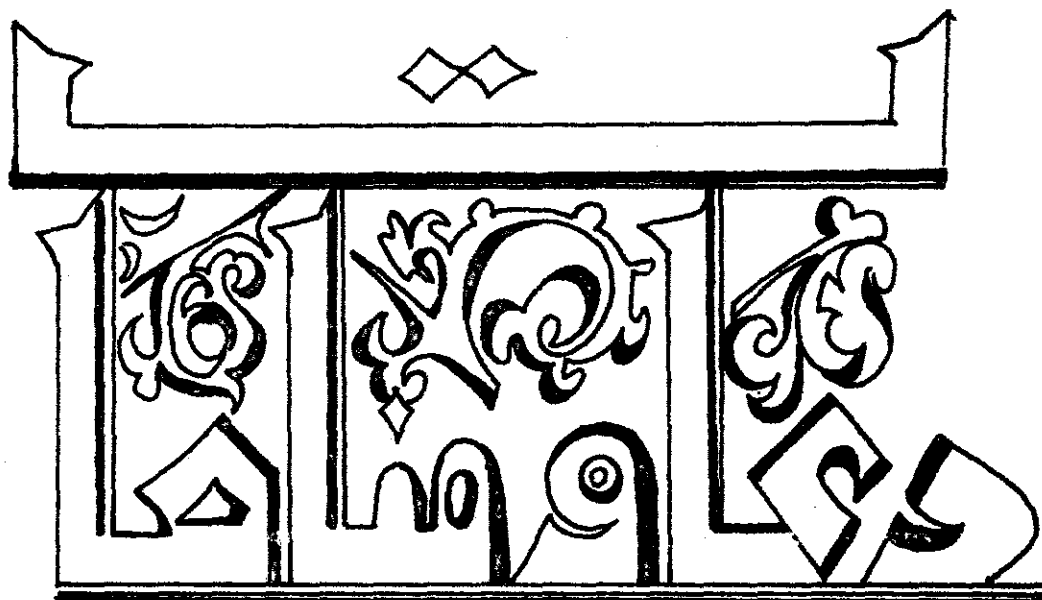
دلدار زینا اگر غیب صدقه آید  
و طایر با قدر مگر گشت سحر

در جان تو با منم و لب منم  
بگر خاشا سینه و سینه

سر داز آرد کشیده و پوز خرم ناب گوده  
پیر صدقه آید در دمای

لحاف است و با بر او صاف در هم از غارت  
و خور و خور

وقت فاجده فیداک  
ع



بقلم اُدکتر محمد اَقفان

مطالب این مقاله قبلاً به صورت  
جزوه ای جداگانه نشر یافته است و به  
علت اهمیت موضوع به نقل آن مبادرت  
میشود .

هر کاری را اثری مقدر و هر فعلی را انفعالی مسلم است . ایمن  
تلازم فعل و انفعال و یا مؤثر و اثر از اصول بدیهی و محقق است که  
امروزه در علم به دلائل و شواهد عقلی و تجربی مدلل است و از مقدمات  
قضایا و مسائل علمی و منطقی بشمار میرود .

بدون تردید هر اثری با عوامل اولیه مؤثره ارتباط مستقیم و متناسب  
دارد شاید اصطلاح عمل و عکس العمل دو کلمه بسیار رسا برای بیان  
مفهوم علمی این مطلب باشند چه که عامل مؤثر و اثر از یکدیگر مستقل  
نیستند گرچه متمایز و متفاوتند .

از اصول متداوله در همه ادیان پس از کلیات اعتقادی که جنبه وجدانی  
و صرف روحانی دارند عبادات که روشهای معموله برای ارتباط و وصول  
بنده و خداوندگاریا حق و خلق است عمومیت و مشابهت دارند . اساس  
و اصول وجدانی و اعتقادی در ادیان الهیه یکسان است و همه بر یک  
منوال بیان شده است ولی روش تقرب و توسل به حق یکی بیش نیست

توجه به حق و انقطاع از هرچه که دون اوست . آیا توجه به حق را اثری نیست؟  
آیا مناجات و راز و نیاز یعنی استغراق در توجه و توسل عکس العملی ندارد؟ این  
چنین تصویری خلاف حقیقت ... خلاف علم و خلاف منطق و استدلال است .  
بدون شك فكر و روح آدمی در معرض خیر و شر هر دو است . آیا انسان فطرتاً به  
صلاح و نیکی متمایل است یا طبیعت او میل به بدی و کجروی دارد؟ شاید بسر  
اساس تجربیات موجوده که محتاج مطالعات بیشتری است چنین به نظر برسد  
که هیچ يك از این دو میل غریبی انسان نیست و عوامل زندگی در نمود آن مؤثرند  
اما بر پایه اصول اخلاقی و تربیتی ادیان طبع بشر به خیر مفضول است نه به شر  
ولی عوامل زندگی و روش تربیت و مراقبت در آن اثر مینماید .

اکنون که قابلیت روح انسانی و تقابل مؤثر و اثر مسلم و محقق است خوب است که  
بیاد آریم هدف از ظهور و بروز شمس حقیقت و مظاهر هدایت چیست ؟  
جمال قدم و اسم اعظم در این خصوص فرمود :

” حق جل جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده و ”  
مختصر آن که اول و اهم و اعظم هدف از ظهور مظاهر الهی تربیت و پرورش افراد  
انسانی به اخلاق و آداب و کمالات روحانی و یا بیبانی دیگر خلق جدید و تخلیق  
به خلق و خوبی جدید است .

چگونه میتوان تبدیل افکار و اخلاق و تعدیل صفات و رفتار حاصل نمود؟ خلق  
جدید یافت؟ و خلق و خوبی حق گرفت؟ اگر سراسر ورقی نوشته ای باشد آیا به  
همان سادگی که اوراق نا نوشته نگار پذیرند میتوان بر آن نقشی زد و یا اگر ظرفی  
مملو و لبریز شد جایی برای دریافت و نگهداری بیشتر از آن خواهد داشت؟ یقیناً  
نه . پس چه باید کرد؟ جز آن است که نوشته و نگار نخستین را باید زدود و  
آنچه در ظرف است به کناری ریخت تا بتوان دیگر بار نقشی بر آن ورق آراست و یا  
ظرف را پر نمود؟

ضمیر انسان نیز همچنین است . تخلیق به اخلاق روحانی و صفات عالیه انسانی  
تیز مستلزم همین است که فکر و طینت انسان از افکار و عقائد و آراء و امیال خصوصی  
و انفرادی عاری گردد و آداب و کمالات روحانی گیرد .

این کار اگر چه مهم و خطیر است ولی آسان است زیرا فطرت انسانی قابل قبول  
و پذیرش صفات رحمانی و متمایل به خیر است و وصول به این رتبه و حصول این  
کمال معنوی هر هون حالت تذکر و تنبیهی است که در حال توجه و مناجات و اثر  
و کیفیت حاصله از آن بدست میآید .

سهر و تعمق در مناجاتهای مبارکه نازل در این دور اعظم کیفیتی را که بسر  
تحقق این هدف یعنی حصول کمال اخلاقی و تربیت نفوس مؤثر و لازم است  
نشان میدهد . مضامین مناجاتهای مبارکه این ظهور همه بر اساس طلب قابلیت و  
استعداد و رجای شمول تائید و عنایت و تمنای صون و هدایت است . اگر جالست

مناجات آن چنان که باید و شاید حاصل شود بدون تردید وسیله ارتباط روحانی با حقیقت مطلق خواهد بود و کسب فیض میسر و آثارش ظاهر خواهد گشت و این همان هدف از مناجات است .

حالت مناجات چیست ؟ شاید هیچکس نتواند این حالت را بیان کند . اما احساس آن ممکن است . حالت مناجات چون کیفیت مادی جسمانی نیست تعریف و بیان آن به اصطلاحات و تعاریفات معموله علمی ممکن نیست اما بسیاری از حسالات روحی قابل توضیح و بیان نیستند و فقط قابل ادراک میباشند . باری اگر نمیتوان خصوصیتی را به عنوان تعریف حالت مناجات ذکر نمود میتوان صفات مشخصه آن را شناخت . حال مناجات مضمن گسستن و انقطاع از کلیه امور و اشیاء مادی و معنوی و انسحار توجه در مشیت و اراده الهی است مقصود از مناجات آن است که انسان در آن هنگام مستغرق در حق شود و خود و هر آنچه غیر از اوست فراموش نماید تا قابل تجلیات فیض الهی شود یا به عبارت دیگر از نقوش و نگاره های دیگر عاری و پاکیزه شود و اثر خلق و خوبی رحمانی در او ظاهر گردد .

هنگامی که چنین کیفیتی حاصل شد آثار حاصله از مناجات و توسل به حق ظاهر میشود حالت مناجات و توجه دو گونه تأثیر دارد تأثیر تلقینی و تأثیر تعلیمی .

### ۱- تأثیر تلقینی

تأثیر و تمرین بخشی تلقین و تکرار امروز در علم تجربی محرز و مسلم است و مناجات و توجه به حق چنین خاصیتی را نیز داراست و سبب مزید اطمینان قلب و ایمان میگردد و " اذا تليت عليهم آياته زادتهم ایمانا " (۱) و " اعبد ربك حنسی یأتیک الیقین " (۲) بر این برهان گواهی صادق است و " اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء " به همین سبب منصوص و مفروض است .

تتابع و تکرار اذکار و کلمات موجب تأثیر در عقول و افکار است و این تأثیر و تلقین خواه نا خواه و متدرجا در تمام شئون حیات انسان ظاهر میشود و او را با کمالات و صفات و اخلاق و آداب روحانی و توجه به ساخت حق عادت میدهد و آن خصائص و کمالات را ملکه او میسازد ؛ اما نباید فراموش کرد که این همه موکل به هوشیاری و آمادگی و سعی و کوشش انسان میباشد تا اثر تلقین آمیز این صفات پسندیده و تعلیمات اخلاقی در او منعکس و متجلی گردد .

### ۲- تأثیر تعلیمی

اثر تلقین آمیز ادعیه و مناجاتها ناخود آگاه است در حالی که از مضامین آثار

مبارکه میتوان تعلیم گرفت و راه و رسم اخلاقی و انسانیت آموخت و شایسته نیز چنین است. در حقیقت مضامین مناجاتها سراسر تعلیم است و ما بایست در زندگانی خود بکوشیم تا تجسم و تحقق کیفیات و خصوصیات که در هنگام مناجات به آستان الهی ادا میکنیم در زندگی ما ظاهر شود. این نکته شایان توجه است که در اینجا دو مطلب وجود دارد نخست سعی و کوشش ما در یافتن و پذیرفتن اخلاق و صفات و ملکات فاضله و دوم صداقت و صمیمیت ما در استمداد از منبع فیاض الهی به منظور کسب فیض و شمول تأیید.

به نظر نمیرسد که هیچ یک از این دو مرحله از دیگری مستغنی باشد زیرا دعوی تخلق به اخلاق حسنه بدون کیفیت کسب فیض از آستان الهی با نوعی خود پسندی و احساس افتخار و امتیاز همراه است که از خلوص و صفا میگذرد و استمداد از منبع فیاض الهی بدون سعی در وصول به صفات و ملکات اخلاقی نیز بدان مانده است که انسان در طلب مجهول مطلق بکوشد.

شمول تأیید و هدایت الهی یعنی اجتماع این دو لطیفه — نخست فهم و درک و شناسائی مقصود اصلی از تعالیم و کلمات الهی و مطالب آنها و سپس رجای شمول رحمت و کمک معنوی. بی شک هر آن کسی که آرزومند و طالب و متوسل به رضای الهی شد و حقیقت رضای الهی را که رضای مظاهر اوست دریافت و صادقانه رجای هدایت نمود مؤید و منصور خواهد بود.

اکنون جای آن دارد که شمه ای از کیفیت انواع مطالب تعلیمی مناجاتها بیسان شود:

### الف. استغراق در اوصاف و قدرت الهی

در مناجاتهای مبارکه این دو راعظم اهم مطالب بیان صفات و کمالات قدرتی الهی و عظمت و تنوع آثار حاصله از مشیت و سلطنت اوست و در جنب اینس اظهار قدرت و جلال و استغنا و اختیار ذکر ضعف و ذلت و ناتوانی و احتیاج بشری نیز به نهایت قطعیت و وضوح مذکور است چرا این مقایسه مکررا تصریح شده است؟ بیان علت آن خالی از اشکال نیست. این مقایسه بیشتر علت روانی دارد زیرا فکر و روان انسانها از حقایق محض مطلق تصویری میسازد و آنرا میستاید یا منفور میدارد. این مقایسه یعنی توجه به بی نیاری و عظمت مطلق حق و تذکر به ضعف و زبونی انسان ما را از گردابی که در روان ما جریان دارد بیرون میکشد و تخیلات و احلام روانی را که همواره بخود پسندی متمایل است به حقایق موجود و محسوس تبدیل مینماید این حقیقت که ذات واجب — الوجود خیر مطلق و مصدر همه اشیا است و ما بندگان مستمند محصور در عوالم محدود بشری بسر میبریم.



### ب- توجه تام

در مناجاتهای مبارکه همواره حصر نظر در حق جل جلاله تأکید و انقطاع از مسا سوی تصریح شده است. توجه و تمرکز نظریات اثرات و نتایج حیرت آوری است که هنوز علوم تجربی آن را چنانکه شایسته است نمی شناسد و این عجب نیست زیرا در بین افراد بشر بندرت کسانی دیده شده اند که این روش را به گسار برده اند با این همه حضرت عبدالبهاء جل ثنائه شدت اثر آن را تصریح و آن را به اثر اشعه افتاب پس از تمرکز در عدسی محدب تشبیه فرموده اند. توجه تام مستلزم حضور قلب و انقطاع و وارستگی است و چون این صفات حاصل شد و توجه تام دست داد متقابلا بر انقطاع و حضور قلب نیز میافزاید و تکامل و تشدید توجه و انقطاع با یکدیگر ملازمه دارد.

### ج- رجاء و تمنای شگفتی بزرگ آرزوها

معمولا ما از مناجات و دعا تصور مخصوصی داریم و آن استدعای قبول درخواستها و طلب تحقق آمال و آرزوهای ماست اما مناجاتهای مبارکه به ما درس دیگری میدهد. درس تمنای آرزوی بسیار بزرگ - اعظم آمال - طلب رضای الهی آنچه که حق شایسته ما میداند نه آنچه که ما در هوس آئیم. این تعلیم مطلب مهمی است نخست بعلت آنکه ما همواره خیر و صلاح خود را نمیدانیم امروز را می بینیم و از فردا غافلیم و دم به سبب اینکه بدین وسیله در طسرح الهی خود را شریک ساخته ایم و در آن نقشی پذیرفته ایم. طلب رضای الهی آرزوی بسیار بزرگ است این است که در مناجاتهای نازله این قدر تکرار شده است روح انسانی را اعتلای بخشد و نظرها از مطالب کوچک و گذران زندگی به تجلیات و جلوه های پایدار و ابدی حیات متوجه میسازد و روان انسان فانی را جلوه و جلای عوالم ملکوتی می بخشد. اگر واقعا چنین آرزوی در قلب و روح ما تلقین شود و به آن خوبگیریم چه لذتی بدست خواهیم آورد و چه عظمت و جلالتی حاصل خواهیم کرد. لذتی که از تحقق آرزوهای گذران سرچشمه نگرفته بلکه دائمی و فنا پذیر است و جلالتی که به عظمت و وسعت عالم است زیرا محدود نیست چون اراده و مشیت او نیز حدی ندارد.

مفهوم آثار مبارکه ای از قبیل " هرچه خواهی از او خواه و هرچه طلبی از او طلب" که متضمن معنی نهایت آرزوهاست نوعی از همین مطلب است. تمنای کیفیاتی نا متناهی و ابدی و این کیفیات جز به وصل به رضای او متحقق نخواهد شد.

### اثار حاصله از مناجات

شاید اگر ادای حق مطلب میسر میشد این صفحات کتابی را بوجود میآورد .  
مناجات در قلب مؤمن آتشی شعله ور میسازد که اثر آن فراموش نمیشود بلکه  
دیگران را نیز مشتعل میکند و چه بسا که آنان را تقلیب مینماید و اشک شوق  
از چشمها جاری میسازد .

الف - رضا و تسلیم

مناجات و توجه مخلصانه به آستان الهی انسان را در این عقیده راسخ تر میسازد  
که تسلیم و رضا در قبال وقایع زندگانی و اراده و خواست الهی عکس العملی  
منطقی ایمان و یقین است و این تسلیم و رضا دارای اثرات وجدانی و عیانی است .  
کیفیت و اثر عیانی یا عملی رضا ما را به تحمل شدائد عادت میدهد و از سنگینی  
بار واقعیات تلخ زندگی میکاهد . کسی که مشکلات طبیعی زندگی را بر اساس  
اینکه ضروریات و واقعیات حیات است و اساس تحولات زندگانی بشری را خداوند  
چنین مقدر فرموده تحمل میکند و ناکامیها و موانع زندگی را طبیعی میدانند و میکوشند  
تا آنها را آسان کند و بر طرف سازد سعادت مند تر است یا آنکه از مشکلات زندگی  
دیو هیولانی میسازد و از آن بی بهره یزد و دمبدم ناله و شکایت میکند ؟

اثر وجدانی رضا احساس سعادت و سرور درونی است که هیچگاه نقصان نمی یابد  
و بدون آنکه دلبستگی و تعلق در میان باشد همواره شادمان و خوشبخت است  
در چنین حالی انسان از همه مزایای زندگی برخوردار میشود و در طلب کمال  
و ترقی میکوشد اما به اشیاء گذران و حیات ناپایدار فریفته نمیشود و دل نمی بندد .

ب - استغناء

مناجات و توجه به آستان حق ما را به غنای حقیقی میرساند زیرا غنای حقیقی  
آن است که انسان به هر آنچه که دارد راضی و خشنود باشد و گرنه سرور  
و مکت همه قرون و اعصار قادر نیست چشم دل را سیر کند و روحی را که محتاج  
و مستمند است دولت مند سازد . در مناجاتهای مبارکه مکرر چنین تعلیم داده  
شده که همه محتاج و فقیریم و خداوند غنی مطلق است و بخشنده کبری که  
هر چه خواهی از او خواه . هم اوست اگر واقعا این تعلیم بلکه ما گردد از  
دوستان او مستغنی خواهیم شد و این استغناء ما را از تنگنای چون و چند زندگی

وغم و افسوس دنیای گذران فارغ خواهد داشت. چه پراج و گرامی است این استغناء که ما را از بسیاری از صفات تملق و ریا و تزویر و دروغ بی نیاز خواهد ساخت .

### ج - مصدر و فهم حقیقت امور

در هنگام مناجات آن چنان که در آثار این امر اعظم وارد شده همواره تمنا میکنیم که " خداوندا ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نامحدود خویش دلالت کن " اجابت این آرزو که ما را از دنیای محدود و زندگانی مقید به حدود و علائق زمان و مکان جدا میسازد و به عوالم وسیع لاهوتی میکشاند همواره بساحت صدر و توسع دائره فهم و ادراك و شناسائی حقایق امور همراه است . آیا اگر مطلبی را فقط از یک نقطه نظر مطالعه کنند بیشتر رموز آن را در میابند یا اگر تمام جوانب و علل و عوامل در نظر گرفته شود مثل کسی که به جهان نامحدود الهی رسد و وسعت صدر و قوت ادراك او افزایش یابد مثل آن است که تمام جهات و علل را منظور داشته باشد .

### در شمول تائید

در باره تائید الهی سخن گفتن کار آسانی نیست . تائید چیست ؟ و چگونه میتوان آن را تحصیل کرد ؟ تائید یعنی وصول هدایت و تقویت معنوی از مرکز و منبع فیض روحانی به نفوس شایسته و لایق . لیاقت و قابلیت را چگونه میتوان کسب کرد ؟ کسی که خود را به آداب و روشی که بدان مأمور است تربیت نماید بدون تردید شایستگی هدایت و تائید را حاصل کرده است در حقیقت این چنین فردی شخصیت عادی خود را فانی و در نمونه و مثنی که بدان متوجه و معتقد است به مقام بقا رسیده این چنین کیفیتی با شمول و وصول تائید مترادف است و جای هیچگونه تردیدی ندارد . ما به کم مناجات و استغناء میتوانیم چنین حالتی را تحصیل کنیم زیرا همواره در مناجاتهای مبارکه به مطالبی اشاره شده که متضمن این آرزوست که ما را به رضای خود موفق دار و مشمول تائید و عنایت کن . آیا کسی که در هنگام مناجات مکرر صمیمانه چنین رجاء کند چه خواهد شد ؟ چون این تمنا بر آورد شد و به رضای او که عمل بار آورده و احکام اوست توفیق یافت آیا میتواند به تائیدات غیب و شهود در کیه عوالم الهی نخواهد بود ؟ شك نیست که تائید و عنایت ربانی در هر موردی احاطه خواهد کرد و شامل خواهد شد چه که قابلیت حاصل شده و رجای تائید مقبول گردیده است و چون عنایت و تائید الهی شمول برعمم دارد بمجرد آنکه قابلیت حاصل شد خورشید تائید و هدایت الهی در آن آینه خواهد درخشید .



# اخبار مصور

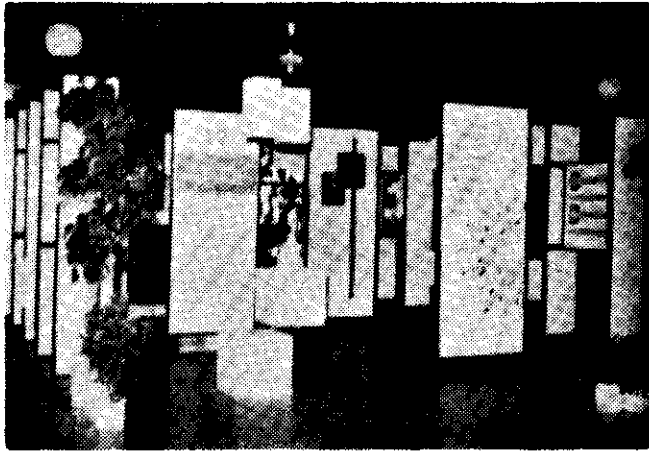
خانم تسیلیاکنیگ " مهاجر  
 نیکاراگوئه در کلاس درس -  
 اخلاق اطفال بهائی .



" ریچارد ریلی " شهردار شیکاگو  
 در دفتر خود با حضور نمایندگان  
 جامعه بهائی اعلامیه روز جهانی  
 دیانت را قرائت میکند .

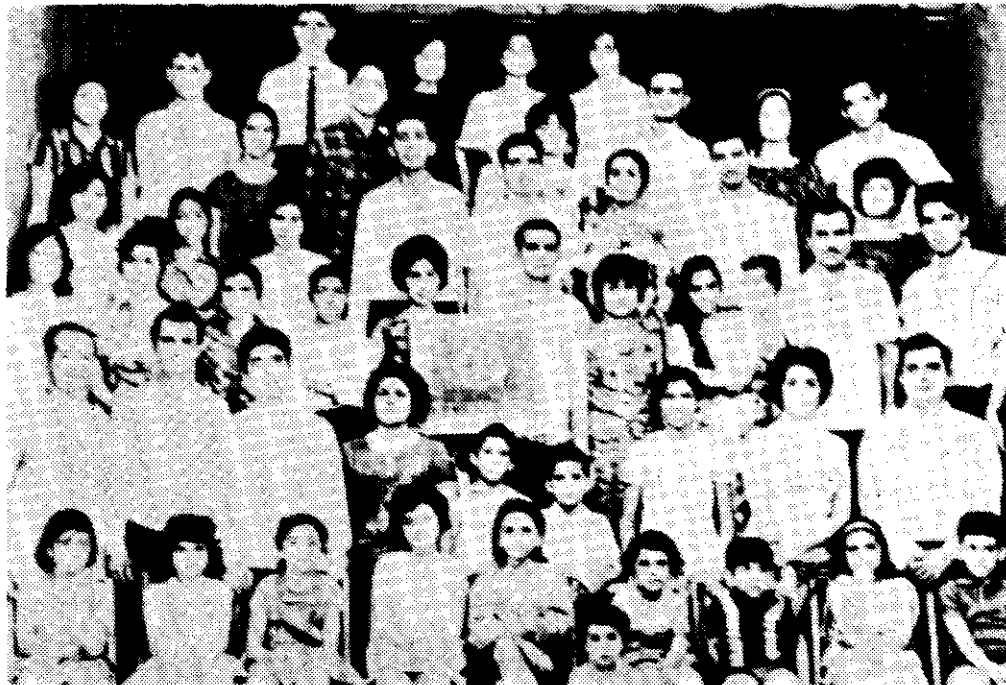


جناب "کاندید فخررا" و دوشیزه "کارمن سانتسه کوئنکا" اعضای محفل روحانی ساپاد لای اسپانیا که در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۶۸ با یکدیگر ازدواج نمودند. اندکی پس از آن تاریخ به جزایر قناری مهاجرت کردند. در این عکس سایر اعضای محفل نیز دیده میشوند.



یک منظره از نمایشگاه بهائی در فلوریدای آمریکا.

جوانان بهائی بمبئی هندوستان که در خدمات تبلیغی فعالیت بسیار دارند.



# نشو و ارتقاء

از: دکتر امین آلمه مصباح

چندی قبل از یکی از دوستان مقیم آلمان مکتوبی رسید و در جوف آن مرقومه نامه یکی از احبای امریکائی بود و سئوالاتی چند راجع به فلسفه نشو و ارتقاء در آن مورد مطرح بود دوست عزیز بواسطه حسن ظن از بنده ناتوان درخواست جواب فرموده بودند. با اقرار و اعتراف به عجز و ناتوانی خود برای اطاعت آن یار گرامسی آنچه بنظرم رسید به زبان فرانسه انشاء کردم و خدمت ایشان فرستادم. آن رساله از لحاظ ایادی محترم و دانشمند اسماعیل حضرت دکتر مولشگل

رسید و مورد تقدیر ایشان قرار گرفت و چندی بعد مرقومه ای نیز از واضح سوالات که یکی از نویسندگان خدوم و فعال امریکائی و اکنون مهاجر اروپاست<sup>۱</sup> واصل گردید و با نهایت عنایت در جواب اظهار رضایت فرموده بودند چون ملاحظه شد ممکن است مطالب آن مورد استفاده - دوستان عزیز ایران واقع گسرد آن مقاله را بفارسی ترجمه نمودم: سوالات اول - آیا حضرت عبدالبهاء یا حضرت بهاء الله فرموده اند که انسان و حیوان جد مشترکی ندارند؟ سوالات دوم - علمای

امروز فکر میکنند که انسان و زنبور عسل يك جد اعلاى مشترك دارند ولی این نسبت ده بار قدیم تر از آنچه سابق تفکر میکردند میباشد و شاید ۶۰ یا ۷۰ میلیون سال قبل.

آیا استماع شده که حضرت عبدالبهاء فرموده باشند که این حلقه مفقوده پیدا خواهد شد؟

سوالات سوم - آیا ممکن است جد اعلاى انسان را اگر خیلی قدیمی تصور کنیم "کرم" یا "آمیب" و یا "ویروس" باشد.

(۱) نویسنده معروف بهائی "گای موزچی" Gay Muzichie

برای پاسخ این مسئله دو حقیقت مسلم نخست باید تشریح گردد :  
 اول - یکی از اصول تعلیمات بهائی مطابقه کامل دین و علم است ولی باید برای رفع هر گونه سوء تفاهمی تعریف دین و علم را همان قسم که حضرت عبدالبها " بیسان فرموده اند دانست و از این دو تعریف جامع و مانع عظمت علم و جامعیت دین را ادراک نمود . در این صورت از هرگونه اشتباهی جلوگیری بعمل خواهد آمد .

با وجود ترقی فوق العاده که برای اولاد آدم در شعب مختلفه علوم پیش آمده تسا به حال موفق نشده است از نفوذ بعضی حدسیات و فرضیات در اصول مسلمه علم جلوگیری نماید بطوری که اگر از تعریف دیانت که بواسطه حضرت عبدالبها داده شده منحرف گردیم و از طرف دیگر در اصول و مبانی علم و فضائل مشتبی از فرضیات غیر مسلمه را داخل کنیم شکی نیست که نخواهیم توانست در بین این دو درهمه حال موافقت مشاهده نمائیم .

بهمین علت این دو ستون محکم و متین که باید با استعانت یکدیگر تکیه گاه نظم عالم باشند بتدریج در اواخر ظهور هر شریعتی از یکدیگر

تباعده حاصل مینمایند با وجودی که در ابتدای هر دوری در نهایت توافق و توازنند .  
 برای احتراز از این تباین و تغایر بین علم و دین بایستد این دو تعریف را همیشه در مد نظر داشت :

" دیانت عبارت از روابط ضروریه منبعت از حقایق اشیا " است  
 " علم عبارت از معرفت بر روابط ضروریه منبعت از حقایق اشیا " است

حضرت عبدالبها در مواقع دیگر همین تعریف را برای محبت و طبیعت فرموده اند .

بنابراین چنین باید نتیجه گرفت که ماهیت دیانت و طبیعت و محبت یکی است که در مواقع مختلف با سامی متفاوت نامیده میشود .

حقیقت شیئی کلی تشکیل شده است از روابط منبعت از حقائق جزئی و روابط منبعت از حقائق جزئی ایجاد حقیقت کلی تر را مینماید . این قانون عمومی را میتوان در دو غیر النهایه بسط داد بطور مثال اگر یک ذره یعنی اتم را بدقت موشکافی کنیم ملاحظه خواهیم کرد که تحت این تعریف قرار میگیرد .

اتم از یک هسته و الکترون بوجود آمده و هسته که در گرد آن الکترون ها دوارند بنوعی خود تشکیل گردیده از نوترون

و پروتون .

تجربى پروتون تولید نیسروى فوق العاده میکند و اجسامی وجود دارند که بخودی خود پروتون آنها تحلیل رفته واجد این نیرو هستند .

مهمترین تعریفی که میتوان برای اتم نمود این است .

" اتم عبارت از روابط ضروریه منبعت از حقایق این عواملی خرد است "

دو یا چند اتم با همدیگر اتحاد حاصل میکنند برای آنکه یک مولکول بوجود آورند روابط ضروریه منبعت از حقایق دواتم که تولید مولکول مینمایند بهترین تعریف آن مولکول است .

معلوم است اجرام مختلفی که زمین و کرات آسمانی را تشکیل میدهند بواسطه ترکیبات مختلف این مولکول ها هستند . مثلا بواسطه ترکیب چهار عنصر بسیط کربن و ازن و اکسیژن و هیدروژن اجسام بی شمار آلی بوجود میآید که در بین آنها اسید های آمینه و از تراکم این اسید های آمینه مواد پروتئینی حاصل میگردد که کرسى مرموز حیات است .

بنابراین قاعده میتوان چنین گفت وقتی روابط ضروریه منبعت از حقایق این اسید های آمینه که پروتئین را بوجود می آورد قابلیت قبول حیات را پیدا کرد

این قوه حیاتی از حیز غیب به معرض وجود میآید . امروز معلوم شده است که چند مولکول کافی است برای اینکه يك ویروس را ایجاد کند حتی ویروس هائی هستند که از يك مولکول پیدایش حاصل کرده اند .

انواع و اقسام حیوانات و نباتات که روی کره زمین زندگی میکنند از يك سلول تنها و یا از اجتماع سلولها تشکیل شده اند . برای درک مطلب این " سلول " را واحد حیاتی فرض مینمائیم . در این صورت تعریف حیوان چند سلولی چنین خواهد بود .

روابط ضروریه منبعته از حقائق سلولهای يك عضو یا يك نسج تعریف آن عضو یا آن نسج است و روابط ضروریه منبعته از حقایق مجموع نسوج و یا اعضا تعریف آن فرد بخصوص را شامل است .

آنچه راجع به فرد و جنس و نوع در کره زمین بیان شد کاملاً مطابق و موافق کسرات سماوی است و همچنین روابط کرات و منظومه ها بهمین نحو تحت تعریف قرار میگیرد .

باستثنای انسان جمیع کائنات مجبورند بآنچه مجبورند و فطرت غریبی آنها را وادار میکند اطاعت نمایند . اگر

بعلت غریزه طبیعی بعضی حیوانات بسیار مرقی بنظر ما میرسند و اعمالی انجام میدهند که شبیه به اعمال انسان است این صورت ظاهری بسیار فریبنده است و با کمی دقت خواهیم دانست که اراده و منطق مخصوص انسان است .

این وجود فوق العاده چنانکه خداوند میفرماید " ولنعملن الانسان علی صورتنا و مثالنا " نسبتاً بخود دارای صفات و خصائل الهی است . این اراده که عینیت پروردگار با و کرامت فرموده او را مخیر نموده که کسب فضائل کند و راه ترقی پوید و یا بعکس آنچه را با و عطا شده از دست بدهد و طریق تدنی پیماید .

برای آنکه انسان نوایا و خصائص مسلمه خود را از حیز کسبون ظاهر سازد و راه ترقی و تعالی پیش گیرد مظاهر ظهور الهی تقریباً هر هزار سال يك بسار تعلیمات متناسب زمان را ازبند الوهیت برای خلق میآورند و نظم بدیعی ایجاد مینمایند در حقیقت روابط ضروریه منبعته از حقایق انسانی نظم و ترتیبی جدید میگیرد و در کسبون اولاد آدم لطائف بدیعی از حیز غیب به منصه ظهور میپیوندد . انسان بالطبع مدنی است و احتیاج به معاضدت و مساعدت يك دیگر دارد برای ادامه حیات مجبور است تشکیل

عائله و وطن و یا اجتماعات بزرگتر مثل عالم انسانی دهد در صورتی که از مرئی الهی محروم گردد از ترقی و تعالی باز خواهد ماند و اجتماعات و انجمن هائی که تشکیل میدهد چون روابط ضروریه از حقیقت انسانی نیست بیشتر باعث تخریب و انهدام خواهد بود .

اجتماعات خواه جزئی و خواه کلی که عالم انسانی را بطرف ترقی و تعالی عروج دهد و یا بعکس او را در مهالك تدنی ساقط نماید هر دو را میتوان بدین نحو تعریف نمود " این انجمن ها عبارت از روابط ضروریه منبعته از مقاصد این نفس است که برای آن اجتماع کرده اند " ( عقد اجتماع )

تنها انجمن عمومی که در کسبون خود جمیع انجمن های جزئی را شامل است و عالم انسانی را بطرف کمال سوق میدهد خواه کمالات روحانی و یا منسوجات جسمانی باشد دیانت الهی است بنابراین میتوان گفت دیانت عبارت از روابط ضروریه منبعته از حقایق اشیا است .

شئ کلمه ای است عام که اطلاق بر جمیع کائنات میگردد و شامل جمادات و نباتات و حیوانات و انسان است . در این موقع یعنی ابتدای هر شریعت روابط منبعته از حقایق انسانی نظم و ترتیب بدیعی میگیرد و انسان بنوبه خود بواسطه استعداد و اراده ای که



ید عنایت پروردگار به او عطا کرده تاثیرات عمیقه و فوق — التصوری در جمیع کائنات خواهد داشت بوسیله او طبایع اشیا کشف میگردد و علم که عبارت از شناسائی روابط ضروریه منبعت از حقائق اشیا است در نهایت ترقی و تعالی عالم را روشنائی میدهد .

مری عالم وجود یعنی مظهر ظهور حقائق وجود انسانی و جواهر مکنونه در او را از عالم غیب به عرصه شهود میآورد و روابط منبعت از این حقائق در نهایت نظم استقرار میابد . چنین قدرت و قوتی جز بوسیله حکیم علی الاطلاق که محیط و شامل کل حقایق وجود باشد غیر ممکن است زیرا اوست که کامل و عالم و محیط است . کائنات جمیع ادر مقابل او همان نسبت را دارا است که عدد در مقابل غیر النهایه یعنی صفر . بهمین منوال علم انسانی در مقابل علم الهی جز عدم محض نتواند بود معینا این بی نهایت کوچک علامتی مثبت دارد یعنی با علم الهی که وضع شریعت مینماید مطابق است نه مغایر .

مطلب دوم — هر وقت مظاهر مقدسه الهی بر حسب اراده قاهره که جز مشیت الله نیست تجدید

شریعت مینمایند عالم دیگری ابداع میگردد و کلمه الله که خلاق کائنات است در دل اول من آمن احداث عالی مینماید که در حقیقت همان نطفه عالم امکان است این سلول مسادر جنین جهان تازه را ابداع مینماید و آفرینش از نو شروع میگردد همان قسم که در بیضه چون نطفه شروع به تقسیمات میکند و جنین را احداث مینماید باقی قسمت تخم که برای تغذیه جنین تعبیه شده تخییر ماهیت داده از حال سلامت خارج میگردد این انقلاب و — تخمیر محیط تخم برای این است که بهتر بتواند به جنین غذای لازم را برساند ولی به تدریج خلق جدید هر روز بنمو خود می افزاید و مواد تجزیه شده زرده تخم که به مولکول های خرد تحلیل رفته بود جذب جنین میگردد و بالاخره موجود جدید قشر بیضه را شکسته خارج میگردد . بهمین مقایسه هسته مرکزی که حول آن مؤنن اولیه طائف اند با وجود حقارت ظاهری در کمون خود عالی بسزرگ را مخفی و مستور میدارد .

مؤسسات علمی و ادبی و فنی و صنعتی و هنری تماما در این نقطه مرکزی بوجود خواهند آمد و حول آن طائف خواهند

بود .

در ابتدای ظهور بسیار مشکل است نتایج عظیمه و ثمرات عظیمه ای را که تربیت جدید الهی ابداع و اختراع مینماید تصور نمود معینا تماما بدون کم و کسر در همان نقطه ظهور بطور کمون موجود است و بشر ضعیف نمیتواند مطالب و مفاهیمی را که باید در سراسر دوره کامل آن ظهور ظاهر گردد در ابتدای پیدایش ادراک نماید و این یکی از وظائف و تکالیف انسان است که در ظل دیانت الهی که بواسطه استقرار بدیع روابط منبعت از حقائق وجود قوت و نیروی جدید یافته حقایق مکنونه را بتدریج کشف نماید زیرا حی قدیر این قوه و استطاعت را باو عطا کرده است که این مواهب و مناقب را در دوره شریعت الهی استکشاف نماید . معینا اهل بها . باین نعمت عظمی مخصص شده ایم که بعضی از مسائل غامضه را قبل از آنکه در این ظهور اعظم بسط و توسعه یابد در دسترس خود داشته باشیم .

عالم انسانی این منقبت بسزرگ را مدیون مادام " در نفوس باری " است که با استعداد شخصی و بهارت ذاتی توانسته است این مسائل مشکله را در

معرض بحث قرار داده در موقع  
تشریف خود از حضور حضرت  
مولی الوری استفاده کامل نماید  
واجوبه وافیه شافیه اخذ کند  
و آن را بصورت کتابی نفیس تدوین  
فرماید. "مفاوضات عبدالبها"  
در حقیقت گنجی مشحون است که  
هر روز لثالی و جواهرات آن در  
دسترس عموم قرار میگیرد و سه  
عقیده این بنده کلیدی است  
که غوامض مسائل فلسفی و علمی  
که تا بحال لا ینحل مانده  
بوسیله آن پرده استار از رخ سر  
می افکند و هر کس بقدر استعداد  
میتواند از آن بهره مند گردد.  
یکی از مسائلی که مورد بحثهای  
فراوان قرار گرفته و هنوز قسمت  
اعظم آن لاینحل است همین  
مسئله نشو و ارتقا است که  
موارد مورد بحث آن بواسطه  
حضرت مولی الوری مکشوف و  
میرهن گشته بطوری که با قدری  
دقت میتوان لب مطلب را انطور  
که باید ادراک نمود و کاملا آنرا  
مطابق اصول و معانی علمی امروز  
یافت.  
در خصوص نشو و ارتقا و اصالت  
نوع انسان اول آنچه از آثار  
حضرت عبدالبها در دسترس  
ماست بخاطر بیاوریم بعد موضوع  
مورد بحث را آنطور که علم امروز  
بر پایه و اساس متین تجربیه  
و استقرار کشف نموده مورد  
مداقه قرار دهیم:

از بیانات حضرت سرالله الاعظم  
بطور خلاصه این نکات و دقایق  
استخراج میگردد:  
۱ - مسئله ای که انسان از  
حیوان آمده اشتباهی واضح  
است بزودی علما و فلاسفه  
بخطای این فکری خواهند برد.  
۲ - تغییر محیط و عوامل خارجی  
غیر ممکن است بتواند انواع و -  
اجناس را تغییر دهد. استعمال  
و عدم استعمال عضوی از اعضا  
نیتواند علت تغییر جنس یا نوع  
گردد.  
۳ - انسان ثمر عالم امکان است  
بدون میوه عالم ناقص است  
و حقیقت آدمی همیشه موجود  
بوده مانند میوه که در کون جبه  
موجود است ولی به معرض شهود  
نیامده.  
۴ - این عالم نه ابتدا دارد و  
نه انتها زیرا لحظه اعلمکن نیست  
خالق را بدون خلق تصور کرد.  
۵ - زمین مانند تمام کسرات  
عالم وجود ابتدائی و انتهائی  
داشته و خواهد داشت.  
۶ - زمین در ابتدای پیدایش  
این شکل و حالت کنونی رانداشته  
بلکه بعد از نشو و ارتقا به  
حالت کنونی رسیده.  
۷ - موجودات زنده نباتات  
و حیوانات و انسان در روی زمین  
بتدریج ظاهر شدند.  
۸ - اصل هر چیز در عالم واحد  
است و نبی تواند دو باشد.

۹ - نشو و ارتقای اشیاء  
جزئی مطابق و موافق با تکامل  
عوامل کلی است. پرورش آدمی  
در روی کره خاک مانند نمو  
جنین در زعدان مادر است  
۱۰ - برای اینکه انسان  
به مرحله کمال برسد از مراتب  
مختلفه وجود عبور نموده است.  
۱۱ - نوع انسان با وجود  
اشکال عجیب و غریبی که در  
مراحل اولیه داشته از ابتدا  
(انسان) بوده و از غالسم  
حیوان نیامده است.  
۱۲ - علما در تجسس حلقه  
فقوده داروین یعنی حلقه ای  
که انسان را به میمون متصل  
میکنند هستند ولی بجائی  
نخواهند رسید زیرا این حلقه  
هرگز وجود نداشته است.  
این صحبتها در حوالی  
سال ۱۹۰۰ میلادی در سر  
میز ناهار در حیفا در جواب  
سوالات خانم (بارنی دریفوس)  
از حضرت عبدالبها به عمل  
آمده است و چندی بعد به  
صورت کتابی موسوم به (مفاوضات  
عبدالبها) تدوین گردیده  
است.  
قرن نوزدهم بواسطه هجوم  
شدید عقاید مختلف علمی و  
فلسفی که مانند تند باد  
اساس اعتقادات عتیقه را ویران  
ساخت مشخص و ممتاز است  
ترقیات عظیمه در علم و صنایع

و انتشار سریع آن بین خلق اساس معتقدات قدیمی را از بین برکند . موضوعی که بیش از همه محل بحث واقع شد و درازمنه گذشته نیز بنی آدم را از همه چیز بیشتر بخود مشغول میداشت کیفیت پیدایش بود این مسئله که عالم امکان بالاخص انسان از کجا آمده همیشه باعث تحریک فکر و اندیشه آدمی بوده است . بیان این مطلب در کتب مقدسه بطور مرموز و سمبولیک ذکر گردیده است صورت ظاهری آن برای عوام الناس که مراحل طفولیت را میپیموند کفایت میکرد که از سوالات و جواب مطالب عمیق عالی که مناسب سن معنی آنان نبود جلوگیری بعمل آرد . انتشار علم و دانش بین عوام و نفوذ عقاید جدید یکی اساس اعتقادات دینی کتب مقدسه را منهدم نکرد بناچار این شکاف باید با عقاید دیگر پر گردد و عطش خلق برای شناختن اصل آفرینش تسکین یابد این بود که عقاید (لامارک) و (داروین) بهترین موقع را برای رسوخ در قلوب خلق یافت و مردم اروپا با آشنامیدن این آب علم و دانش که متأسفانه بسیار آلوده بسود عطش خود را تسکین دادند . هرچند کتاب (لامارک) موسوم به ( فلسفه حیوان شناسی و

تاریخ پیدایش حیوانات غیر ذی فقار) نیم قرن قبل از کتب داروین تدوین شده بود و در این کتب مؤلف تغییرات انواع حیوانات را بر حسب تغییر آب و هوا و محیط شرح و تفصیلی داده بود ولی چندان در بین مردم مورد بحث قرار نگرفت و این گفته ها فراموش گردید شاید علت عمده آن اهمیت و اشتها عالم بزرگ و طبیعی دان معرف ( کویه ) بود که بثبوت انواع اعتقاد داشت و صیت شهرت او مانع پیشرفت فرضیه های (لامارک) گردید بعد ها کارها و کشفیات دانشمند و فیلسوف معروف داروین و نظریه های جالب توجه و جاذب افکار او در کتابهای حجیم و مفصلش موسوم به ( اصل انواع به واسطه انتخاب طبیعی ) و (قابلیت تبدیل انواع و انتخاب جنس) و غیره تدوین شده بود عقیده نشو و ارتقاء بسط و توسعه عجیبی پیدا کرد و فرضیه جدیدی بوجود آمد که بعدها با نام (داروینسم) نامیده شد . متأسفانه در این فرضیه که در نهایت بساطت تبیین و تشریح شده بود اشتباهات و تعبیراتی بی جای بسیاری رخنه نمود و تلا میزد و متعاقباً او بسک

رشته از فرضیات باطله سست و عقاید نادرست بآن افزودند و داخل فرضیه ( داروین ) نموده فرضیه ( داروینسم ) در جمیع اقطار عالم قبولیت تام یافت . یکی از کیفیات قرن نوزدهم این بود که هر عقیده و فرضیه ای که کمک به انکار علت غائی و عوالم روحانی و الوهیت میکرد با آغوش باز قبول میشد . در چنین موقعی بود که حضرت عبدالبها در سر میز ناهارو شام این طعام روحانی را به خلق عالم عطا فرمودند و دلائل لازمه برای اثبات خطای این فرضیه را بیان کردند . در همان موقع پیش بینی فرمودند که علمای بزرودی به اشتباهات خود پی خواهند برد . فلسفه مادی در این زمان چون سیل جارف عرصه اروپا را میپیمود و در طی طریق فرضیه های علمی و فلسفی صحیح و سقیم را بین مردم منتشر میساخت و در قلوب و اذهان رسوخ و درزندگانی افراد تأثیر عمیق میکرد . علوم طبقات الارض و جنین شناسی که یکی بحث از تغییرات کوره ارض و پیدایش موجودات زنده و تکامل آنها میکرد و دیگری از انعقاد نطفه در مشیمه و احداث جنین و تغییر و تبدیلات و نشو و نمای او حکایت مینمود هر دو این علم جدید پشت





لجنه جوانان بهائی اردستان - سنه ۱۲۵ بدیع



نوزدهمین انجمن شور روحانی ملی جوانان بهائی ایران - سنه ۱۲۵ بدیع

ترجمه و اقتباس: ا. طهوری  
از مجله اینترنس دیسکبت



## جهان در سال ۱۹۸۵

ملحق شده از روش واحدی پیروی خواهند نمود .  
سطح زندگی در ممالک صنعتی به مقتهای اچ  
خواهد رسید و صنایع و اختراعات جدید عموماً  
از پیشرفتهای تکنولوژی استفاده خواهند کرد و برای  
ایجاد هم آهنگی در جمیع این تحولات علم  
مدیریت جدیدی بوجود خواهد آمد .

جمعیت عالم که در سال ۱۹۶۰ بالغ بر سه  
میلیارد نفر بوده در سال ۱۹۷۷ به چهار  
میلیارد و در سال ۱۹۸۵ به قریب پنج میلیارد  
نفر افزایش خواهد یافت . تأمین احتیاجات روز  
افزون این جمعیت متراکم خود مسئله ای است  
حیاتی که باید مورد توجه مدیران مؤسسات  
تولیدی و اقتصادی جهان قرار گیرد و برای حل

نویسنده مقاله پیش بینی نموده است که  
تا سال ۱۹۸۵ یعنی در مدت زمانی کمتر از بیست  
سال دیگر تحولاتی سریع بشر را بسوی دنیائی که  
با دنیای امروز ما کاملاً متفاوت خواهد بود مسوق  
میدهد و چنین مینگارد که دنیا در آستانه دومین  
انقلاب صنعتی قرار دارد و تا سال ۱۹۸۵ عالم  
بصورت دنیائی واحد با اقتصادی واحد و مشترک  
در خواهد آمد . مبادلات تجاری سرمایه گذاری و  
مناسبات اقتصادی و روابط بین ملل عالم جنبه  
عمومی و بین المللی خواهد یافت . در داد و ستد  
در صنعت در تکنولوژی و بالاخص در مدیریت  
سیستم هائی جدید پیاپی به عرصه وجود خواهد  
نهاد . شرق و غرب در امور اقتصادی بیکدیگر

امریکا در طول سه سال آینده، بفروش میرسانند محصولاتى است که هنوز کشف نشده است. دکتر ژرژ مولر از آژانس فضائى امریکا میگوید:

" نصف احتیاجات ما در سال ۱۹۷۸ هنوز بسر ما معلوم نیست و کسى بر نوع و ماهیت مواد آن واقف نمیشد."

در سال ۱۹۶۸ صنایع خصوصى امریکا ۱۸ میلیارد دلار بودجه برای تجسمات و اکتشافات در نظر گرفته و در سال ۱۹۷۱ این رقم به ۲۲/۵ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. شوروى نیز تقریباً نظیر همین بودجه را برای تحقیقات و تفحصات خود منظور نموده است. سایر کشورهای صنعتى هم برای پیشرفت تکنولوژى خود قدمهای مؤثر و بلندی برداشته اند. بنابراین در سالهای آینده، عملاً صنایع جدیدی ایجاد خواهد شد و در صنایع کهنه تغییرات فاحشى رخ خواهد نمود. بد نیست به نمونه هاى چند از صنایع جدید و مترقى سال ۱۹۸۵ توجه کنیم.

#### نیروی برقى

در سنوات آینده منبع اصلی تولید نیروى برقى در بسیاری از نقاط عالم را آگورهای اتى خواهند بود. در سال ۱۹۸۵ آگورهای قوی و عظیمی که از طریق کنترل انرژی هسته ای تولید نیروى برقى مینمایند بصورت تجارى وارد بازار خواهد شد و در نتیجه جهان مرحله پیشرفته جدیدی را در انقلاب صنعتى آغاز خواهد نمود. نیروى اتمى با نصف مخارج فعلی یا حتی ربع آن در صنایع شیمیائى و استخراج و ذوب فلزات تحولاتى عظیم ایجاد خواهد کرد بنحوی که تولید کوره های شیمیائى نیتروژنى از هوا و تحصیل آب شیرین از اقیانوسها به مقدار بسیار زیاد مقرر به صرفه خواهد شد.

در حال حاضر مخارج تولید آب شیرین بوسیله

آن از هم اکنون طرح ریزى نمایند. در کشورهای صنعتى از دیاد نفوس نچمتى بشمار میرود زیرا روز به روز بر تعداد مصرف کنندگان محصولات صنعتى - کارگران و سرمایه گذاران اضافه میشود لکن در ممالکی که در حال توسعه اند افزایش جمعیت فاجعه محسوب میگردد چه هر روز باید تعداد بیشتری از شکمهای گرسنه را سیر نمود و برای عده " بیشتری از بی کاران کار فراهم آورد و با اغتشاشات و آشوب های اجتماعى و سیاسى بیشتری روبرو شد. این اوضاع در معاملات و مناسباً جهان ایجاد تحولات و مبارزات بى سابقه ای خواهد نمود. در سالهای آینده شرکتهای بین المللی در فعالیتهای داد و ستد خود نه تنها در قلمرو کشور خویش بلکه در نقاط عقب افتاده کره ارض نحوه " جدیدی و طریق دیگری اتخاذ خواهند نمود و مساعى آنان در این راه نه تنها برای تحصیل منافع خود خواهد بود بلکه از این جهت که گسترش این فعالیتهای حفظ تمدن بشر ضرورت دارد - خوشبختانه بسیاری از پیشرفتهای تکنولوژى عظیم که در زمینه های تولید نیرو - الکترونیک - ارتباطات - تعلیم و تربیت و تولید محصولات غذائى و مواد معدنى حاصل گردید. منافع مخصوص بیشماری را به ملل عقب افتاده جهان نوید میدهد و مؤسسات جهانی آیند، در توزیع و گسترش این منافع در نقاطى از جهان که بیشتر بدان احتیاج دارند عاملی مؤثر خواهند بود.

#### انقلاب تکنولوژى

بسیاری از محصولات که در سال ۱۹۸۵ مورد مصرف عمومى خواهد بود و اگر مواد اولیه لازم جهت تهیه این محصولات هنوز در دنیای امروز ما وجود ندارد. در حقیقت ۱۷ درصد ( معادل ۱۲۱ میلیارد دلار) از موادی که ممالک متحد

خواهد شد و نوع انسان در استفاده از این دستگاهها چنان مهارت و استعدادی خواهد یافت که بهتر از ماشین تحریر و سهل تر از رانندگی اتومبیل آن را بیکار خواهد برد و بیش از سایر وسائل رایج خواهد شد.

صاحبان کارخانجات برآورد کرده اند که کنترل الکترونیکی ماشین آلات هم اکنون در امریکا هر هفته ۴۰٪ تا ۵۰٪ شغل را از دست انسانها میگیرد و بعبارت دیگر در هر سال ۲ تا ۵/۲ میلیون نفر را بیکار میکند. ولی در آینده این اتوماسیون بیش از تعداد شغل های از دست رفته ایجاد شغل خواهد نمود. در حقیقت علامت این امر هم اکنون ظاهر گردیده است چه در امریکا تعداد بیکاران که در سال ۱۹۶۰ یعنی آغاز اتوماسیون ۲ درصد بود، پس از چهار سال به ۵ درصد و در سال ۱۹۶۵ به ۴ درصد تقلیل یافته و کمبود کارگران آزموده و ماهر به مقیاس قابل ملاحظه ای محسوس گردیده است. عجایب علم الکترونیک بیشمار است. مو، سسه Ibm دستگاهی اختراع نموده که مخزن حافظه است و میتواند کتابخانه کاملی را که دارای ۲۰۰۰۰ جلد کتاب باشد بر یک صفحه نیکلی ضبط نماید. هولوگرافی یا عمل الکترونیکی جهت تهیه عکس سه بعدی در حال تکامل میباشد و اختراع تلویزیون سه بعدی را که پدید آمده ای مهیج خواهد بود بوجود خواهد آورد.

در حال حاضر علم طب نیز در انقلاب الکترونیکی خود وارد شده و دستگاههای مغز الکترونی در تشخیص امراض بکار برده میشود. دستگاههای الکترونی جایگزین مراکز عصبی قلب میشود و اشعه قوی آن برای معالجه سرطان و جراحی های حساس اثرات مفیدی ظاهر ساخته است. میکرو الکترونیک در سالهای بین ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تهیه دست و پای مصنوعی را به ارقام مختلف نموده

دستگاههای غیر همسته ای هر ۱۰۰۰ گالن ۱/۱۶ دلار میباشد در صورتی که دستگاههای اتمی میتوانند این مخارج را به ۰/۲۵ دلار تقلیل دهند و این امر حتی در مناطقی که آب طبیعی نیز فراوان است به صرفه نزدیک تر است. علاوه بر تولید برق بوسیله راکتور تا چند سال دیگر بشر خواهد توانست از آبشارها جزر و مد دریاها باد - حرارت سطح زمین - اختلاف حرارت بین آب اعماق اقیانوسها و آب سطحی - انرژی خورشید و عوامل دیگر برق تولید نماید.

### الکترونیک

الکترونیک را میتوان مهمترین مهیج ترین و برجسته ترین پدیده تکنولوژی جدید بشمار آورد و شاید تاریخ ۲۰ یا ۳۰ سال آینده قرن بیستم را بنام عصر الکترونیک ثبت نماید. پیشرفت های سریع و تکامل روز افزون آن واقعا شگفت انگیز است. این صنعت که با اختراع لوله های خلا در سال ۱۹۰۰ و ترانزیستور در سال ۱۹۴۸ و مدارهای کامل (انتگره) در سال ۱۹۵۸ به سرعت راه تکامل پیموده امروز بصورت Ibm (مدارهای کامل مرکب) جلوه گری مینماید و تا یکی دو سال دیگر دستگاههای کم خرج آن در صنایع و تجهیزات نظامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

مغز الکترونی از برجسته ترین پیشرفتهای تکنولوژی است که شئون اقتصادی - اجتماعی و انفرادی بشر را دچار انقلاب خواهد نمود. تا سال ۱۹۸۵ این دستگاهها پر قدرت ترین مغز بشری را تحت الشعاع قرار خواهند داد و قدرتهای جدیدی را که انسان فاقد آن است از خود ظاهر خواهند ساخت. فی الواقع صنعت مغز الکترونی ماننسد نیروی برق اهمیت خواهد یافت و دستگاههای کوچک آن در ردیف لوازم ضروری هر خانسه و مدرسه و هر مو سسه تجاری و اداری محسوب



میدهند .

تجسسات در اعماق اقیانوسها

انسان تا سال ۱۹۸۵ خواهد توانست آزادانه در اعماق ۳۶۰۰ فوتی اقیانوسها مدت يك مسأله و حتی اگر لازم باشد شش ماه بسربرد و در چادرها از لاستیک سنگین که پس از باد کردن از آب تهی خواهد شد در محیطی خشک بکار خود پردازد و با تخلیه سریع و کاهش فشار بدون زحمت به سطح آب بازگردد . انسان در عمق دریاها با یخچاد تونل و بهره برداری از معادن موفق خواهد شد و با موادی چون منیزیم - روییم و کاسیم که از دریاها استخراج خواهد نمود الیاژهای شیمیایی و صنایع جدیدی را بوجود خواهد آورد . مسزاع زیر دریایی منابع مهمی از پروتئین جهت تغذیه بشمار خواهد رفت .

تعلیم و تربیت

در امریکا هر سال ۵۰ میلیارد دلار صرف آموزش میشود و بسیاری از مؤسسات عظیم آموزشی برای ورود باین بازار آموزشی هجوم آورده اند . از این پس نفوس باید بنحوی تعلیم یابند که بتوانند در مؤسسات فنی و صنعتی که احتیاج دائم - التزایدی به دانشمندان - مهندسين - ریاضیون متخصصین الکترونیک - طراحان و محققین دارند جای خود را بازکنند و پس از تکمیل تحصیلات مرتباً به مطالعات خود ادامه دهند زیرا سطح علوم مختلفه در جمیع جهات سریعاً بالا میسرود و توسعه می یابد .

تحصیل علم در میان افراد ملل ثروتمند باید تعمیم یابد تا بتوانند اوقات فراغت خود را برای کسب دانش صرف کنند و از آن لذت برند . در ممالک در حال توسعه که جمعیت انبوه بیسوادان آن - بزرگترین عامل تزلزل دنیای امروز بشمار میرود تحصیل

علم اهمیت حیاتی دارد . مؤسسات برجسته هم اکنون دریافته اند که کمک به کشورهای در حال توسعه در آموزش کارگران و توسعه صنایع جدید آنان نه تنها امکان پذیر میباشد بلکه منافع سرشاری هم در بردارد .

شرکت های جهانی

شرکت بزرگ سال ۱۹۸۵ را میتوان شرکت ( جنسو سنتریک ) یعنی شرکت با مرکزیت جهانی نامی که پروفیسور هوارد پرلموتر استاد مدرسه مالسی وارتن پنسیلوانیا برای آن اختیار نموده است نامید شرکتی که منابع و تسهیلات خود را بدون توجه مخصوص به کشوری که اداره مرکزی شرکت در آن واقع است در اختیار جمیع ملل عالم قرار خواهد داد . محل اداره مرکزی این شرکت هنگام ضرورت و بر حسب تغییرات و تحولات کسی در فعالیتهای شرکت - وضع بازارها - حمل و نقل و ارتباطات - مالیات ها - قوانین تجاری و عوامل سیاسی مشمول تجدید نظر بوده از کشوری به کشور دیگر منتقل خواهد شد .

اما از بارزترین خصوصیات این شرکت جنبه بین المللی کادر فعاله و کارکنان آن خواهد بود بنحوی که افراد و افکار و نظرات در انحصار کشور متبوع یا کشور بخصوص دیگری نخواهد بود . در صفوف کارکنان این مؤسسه به ملیت انسانها در مقابل قدرت انجمن کار آنها در صحنه پهناور جهان کمتر اهمیت داده خواهد شد .

با اینکه در حال حاضر چنین شرکتهایی یا بعرضه وجود نهاده اند معذک تعداد آنها انگشت شمار است . در میان این مؤسسات میتوان IBM را نام برد که بمنظور بسط امور تجاری خود تسهیلات تولیدی و تشکیلات بازاریابی خود را در سراسر نقاط عالم گسترش داده است . بعد از IBM کمپانیهای رویال داچ شل - اونی لور و نستله

# خادم برانزده

نامه زیر را ایادی محترم امرالله جناب ابوالقاسم فیضی پس از صعود متصاعد الی الله جناب لطف الله حکیم برای جنابان دکتر غلامحسین حکیم و پروفسور منوچهر حکیم ارسال داشته اند



حضرت دکتر لطف الله حکیم عم نامدار و بزرگوار شما پس از سالها آرزو بسوی مولای عالمیان در نهایت تسلیم و رضا پرواز فرمود حقیر که پس از صعود حضرت ولی امرالله شاهد حال و احوال ایشان بودم خوب میدانم که چقدر رنج بردند و چقدر صبر فرمودند مظهر صبر و صفا و سکوت و رضا بودند بعد از خیر صعود مبارک گوئی تمام رشته های زندگی ایشان از هم گسیخت دیگر در این جهان نبودند شب و روز را در محضر مولای کریم رؤف خویش بسر میبردند بدن آنچنان ضعیف گردید که وصف نتوان کرد بهلوی بخاری داغ جالس بودند و میفرمودند نیی از بدن سرد است ولی در هر حال کلمه الحمد لله شکر خدا را از زبان ایشان قطع نمیگردید و این کلمات را بنحوی ادا میفرمودند که کمال حقیقت از آن تجلی میکرد و در دل و جان نفوذ میکرد تنها دلخوشی او پس از صعود عنایات بی کران حضرت امة البها روحیه خانم بود که فی الحقیقه ایشان را در آفتاب لطف و مکرمت خود دائما گرم



و امیدوار نگاه میداشتند با همه رنجوری که در بدن داشتند محال بود ولو برای آنی از وظیفه خود غفلت ورزند سر ساعت نه بهمان منوال ایام مبارک در مقام اعلی برای هدایت سیاحان ناظر می ایستادند اگر باران بود طوفان بود سرد و یا گرم بود محال و ممتنع مینمود که ایشان در آن نقطه واقف نباشند منزلی داشتند بسیار از مقام دور و سائل نقلیه بسیار صعب معینا حتی یک روز یک دقیقه تأخیر در کار ایشان نرفت قلبسی داشتند که هر چند با اعمال و رفتار برخی کس در میشد ولی روز دیگر بذكر الهی پاك و منیر میگشت چنانچه هرکسی بایشان بدی میکرد بنهایت لطف و مکرمت رفتار میکردند سرالین مرضی هر روز حاضر شده دعای شفا تلاوت میکردند اصولا فراموشی میکردند که کسی بایشان چه گفته و چه کس کرده زیرا زیر دست حضرت عبدالبها تربیت شده بودند . سال گذشته استعفا از عضویت بیت العدل دادند امسال رنجوری ایشان قوت گرفت و در چند ماه اخیر اسیر بستر و در بیمارستان بودند . اتفاقا مصادف همین احوال حضرت حرم هم مریض و دائمی در اطاق خود بودند در ایسن مدت البته نفوس را برای احوال پرسی لطف الله عزیز خود میفرستادند و هرکس دیدن جناب حکیم میرفت با آنکه طاق خوف زدن نداشتند اول سخن ایشان این بود " حضرت خانم چطورند؟ " روابط دائمی برقرار بود تا هفته اخیر که دیگر بالکل منسلخ از این جهان گشته ولی دوسه روز قبسل از صعودشان با نهایت ضعف میفرمودند " شنبه شنبه " این موقعی بود که روح دیگر در نهایت لطافت حاضر برای عروج بود وقایع مستقبل را میدید ولی کلمه " شنبه " برای حاضرین مفهومی نداشت . روز جمعه عکس اطفال ونوه های خود را خواستند عکس نوه را چند بار بوسیدند بر قلب گذاردند . روز شنبه صبح زود فوراً بساز

عکس را خواستند و ظهر شنبه به حالتی از ایسن عالم صعود کردند که جمیع اطباء و پرستاران متحیر بودند . طبیب مخصوص و معالج ایشان مخصوصا میگفت من علاقه خاصی باین بزرگسوار دارم و پرستارشان گفتم مرگ خیلی هارا دیده ام ولی احدی را بدین آزایی و سکوت و رضا و تسلیم ندیدم که جان به جان آفرینش تقدیم نماید . میخوام در تشییع جنازه حاضر شوم و حاضر شد . قبلا لطف الله عزیز حضور خانم پیغام داده بودند که میل دارد پوشش ایشان مرحمتی حضرت حرم باشد و البته عنایت شد این روابط خفیه و دینه ملوازل لطف عوالم محبت و بندگی را نمیتوان فهمید و شرح داد .

اعضا بیت العدل اعظم در تمام طول بیماری ایشان حق بزرگی و بزرگواری و برادری و غمخواری را بتمام معنی عنایت فرمودند و پس از صعود ایشان البته تلگراف عنایتی آن هیئت مجلسه را زیارت کرده اند که چقدر عنایت و محبت به همکار



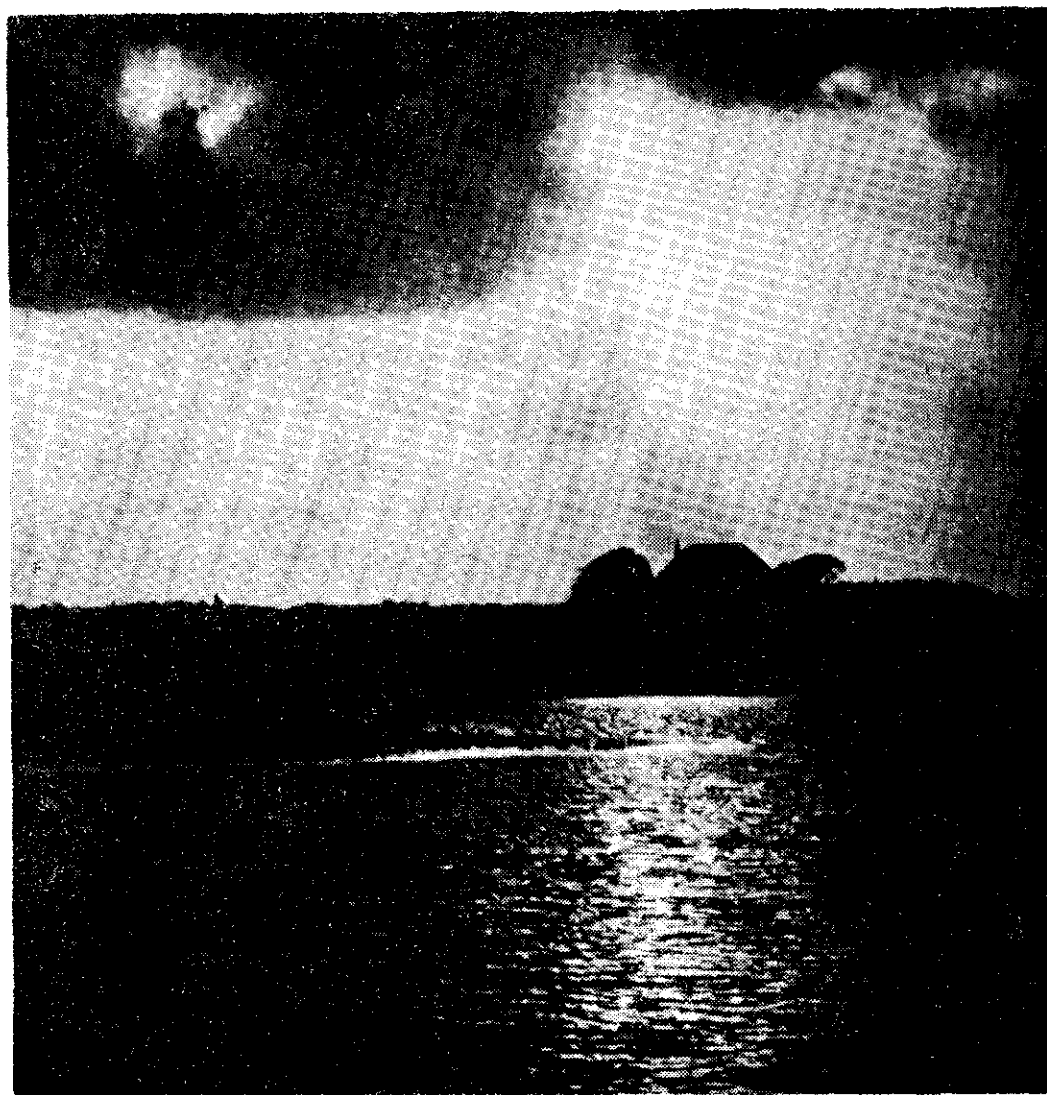
از: دکتر امین الله مصباح

شرق از جلوه آن شادان است  
 همه جا بزرگه جانان است  
 روشن از مهر رخ یزدان است  
 فارغ از شور و شردوران است  
 آمد او زنده جاویدان است  
 گر عظیم است ولی بی جان است  
 صعب گر بیش جهانانان است  
 چونیکه تائید رسد آسان است  
 فیض عامش همه چون باران است  
 روح بخشنده ترسینان است  
 هر کس شاددل و فرحان است

غرب از شمس بها رخشان است  
 همه سویرتوانوار بهاس است  
 نیست پاینده بجز آنکه دلش  
 متمسک چو بر آج حبل ولا است  
 هر که در داخل این نظم بدیبع  
 ورنه بیرون ز سر ابرده صلح  
 برقراری چنین نظم عظیم  
 خود بچشم همه ارساب نظر  
 در مرور است گسودن روح القدس  
 آفرینش همه در تکوین است  
 همه جا بسزم محبت جریاست

مگرش روح قدس مهمان است  
 ز نسیم سحر نیشان است  
 اوست نای جهان بی سانس است  
 اثر عشق رخ سبحان است  
 تا ابد از اثرش نشوان است  
 گوش او دوخته بر فرمان است  
 به رضایش همه در رضوان است  
 همچو خورشید رخس تابان است

و چه زیبا شده این مریم ارض  
 این همه خرمی باغ و چمن  
 هر چه هست از دم جان بخش بهاست  
 این همه نغمه و آواز طیبور  
 آنکه از جام بهاء آمد مست  
 جانش افروخته آتش اوست  
 از بهشت دو جهان بگذشته  
 گر "امین" خاک ره او گردد



# به کانون نشر و تبلیغ جبهه هندوستان خوش آمدید

پرویز روحانی

مهرداد و اعظم

در ایام ۲۸ و ۲۹ ماه جولای ۱۹۶۸ در شهر سانتاروزا Santa Rosa از شهرهای مرزی کشور ( هندوراس ) که مدت دو روز تا پایتخت با اتوبوس فاصله دارد کنفرانس ملی جوانان بهائی هندوراس با جلال و عظمت الهیه که شایسته دیانت مقدس بهائی است تشکیل شد بانیان این کنفرانس ما و یک مهاجر جوان امریکائی بودیم چند روز قبل از کنفرانس من و مهرداد به آن شهر رفتیم و برنامه کنفرانس و اصول مقدس دیانت بهائی و محل و ساعت تشکیل کنفرانس را با موافقت محفل روحانی محلی چاپ و در اختیار کلیه ساکنین بخصوص متصدیان کلیساها و دانش آموزان و اطبای بیمارستانهای شهر و حومه قرار دادیم در ضمن همین اعلامیه نیز در ساعات مختلفه از فرستنده رادیو بخش میشد .

بعد از ظهر روز قبل از کنفرانس برای دعوت ساکنین و احبای قبائل مجاور با کامیونسی و همراهی چند تن از جوانان بهائی شهر عازم شدیم در شهر مجاور کشیش یک کلیسا جلوی اتوبوس ما را گرفت و اول با عصبانیت و فریاد و بدنی مرتعش و رنگی زرد و دهانی کف کرده با ما روبرو شد و اظهار داشت که شما جوانان به خاطر یک فلس پول دیانت



مقدس مسیحیت را ترك کرده اید و برای يك دیانت خارجی فعالیت میکنید طرف خطاب جناب کشیش چند نفر پسر و دختر بودند که توسط همین جناب کشیش غسل تعمید یافته بودند و تمام فامیل این جوانان تازه بهائی را این کشیش میشناخت و غسل تعمید داده بود این کشیش خودش اهل هندوراس نبود از ایتالیا به این کشور آمده بود و پیرو مذهب ( او انجلیک ) بود .

من که اعلا میه های امری و چند کتاب در دست داشتم خطاب به ایشان گفتم پدر مسیح میفرمایند غضب خود را آشکار مکن و با همه با ملا یمت حرف بزن ما حاضریم یسوع الات شما پاسخ گوئیم . کشیش روبه من کرد و گفت جوان از لهجه ات پیسدا است که از نژاد آریائی هستی . گفتم بلی من از کشور ایران آمده ام کشوری که در کتب مقدسه نام کورش پادشاه آن به بزرگی و عظمت برده شده است من بهائیس هستم . گفت بهاء در لغت عرب به معنی شکوه و عظمت است بیشتر توضیح بده مهرداد گفت درست است پدر شکوه و عظمت الهیه حضرت مسیح مجددا طلوع کرده است مردم را به محبت و یگانگی و الفت میخواند . کشیش پرسید آیا شما پیامبری دارید و نامش چیست ؟ دوست امریکائی ما که در ضمن راننده ما نیز بنود گفت مسیح در حدود ۱۲۰ سال و اندی پیش در ایران مجددا ظهور کرد و بنام بهاء الله نامیده شد . کشیش گفت شکوه خدائی و اضافه کرد که مسیح پسر خدا است و در روز آخرت ظهور میکند شما چه دلیلی دارید که ظهور کرده است در اینجا يك دختر خانم محلی که جدیدا بهائی شده بود و خیلی بیشتر از ما کتب مربوطه

..... به کانونشن ملی جوانان .....

را به زبان اسپانیولی خوانده بود با کشیش طرف صحبت شد و در حالی که انبوه جمعیت هر لحظه افزایش می یافت روی سبر جلوی ماشین ایستاد و با صدای رسا بلند و بزرگ اسپانیولی با جناب کشیش صحبت کرد بطوری که پس از ۳۰ دقیقه کشیش جلو آمد و همه را بوسید و از برخورد اولیه اش عذر خواهی کرد و سپس کتاب مفاوضاتی را که من داشتم و جدیداً خریده بودم که بزرگ اسپانیولی و اصطلاحات امری آشنا شوم گرفت و قول داد که فردا در کفرانس شرکت کند ولی متأسفانه نمی‌انم بچه علتی بعداً تلافی عذر خواست و نیامد ولی فعلاً مکاتبات ما با ایشان ادامه دارد. در روز کفرانس توسط سه قطعه اعلان بزرگ پارچه ای ورود همه جوانان شرکت کننده را بکفرانس خوش آمد گفتیم و در سه منطقه مهم شهر از جمله جنب کلیسای مرکزی نصب کردیم. در کفرانس مدنیته جهانی حضرت بهاء الله تعالیم آسطنی ایشان - مختصری از تاریخ امر - جواب سوالات شرکت کنندگان - آینده جهان و بهائیت مطرح و مورد بحث و صحبت قرار گرفت. در روز دوم اسلایدهائی از اماکن متبرکه و کفرانسها و جهانی بهائی و اماکن مقدسه نمایش داده شد و آخرین برنامه بیک نیکی بود که با نهایت صفا و محبت بپایان رسید در این کفرانس چند نفر صدق نیز داشتیم که فعلاً مشغول مطالعه میباشند.

عکسی که از یکی اعلامیه های پارچه ای که در مرکز شهر جنب کلیسا نصب شده است تقدیم میشود تا احبای ایرانی بچشم خود مشاهده کنند که عظمت امر در خارج از مهد امرالله قابل وصف و شرح نمیباشد.



گروهی از احبای قبیله ترنابه در کشور هندوراس - اگست ۱۹۶۸





# لیدیا زامنهوف

لیدیا که در چنین محیطی درس نوع دوستی آموخته بود در سال ۱۹۲۵ که از تحصیل فراغت یافت بجای آنکه به امور حقوقی اشتغال ورزد تصمیم گرفت اوقات خود را حصر در ترویج و تعلیم زبان اسپرانتو نماید و با کسب امتیاز و اجازه رسمی تدریس از مؤسسه بین‌المللی آموزش زبان اسپرانتو در لاهه به بسیاری از ممالک اروپائی سفر نمود و به تعلیم این زبان پرداخت .

لیدیا زامنهوف جام نوشین معرفت امر حضرت بها\* الله را از دست ایادی مشتعل امرالله میس مارتا روت نوشیده از او هدایت یافت و در ظل خیمه یکرنگ امر مبارک وارد شد . مارتا روت خادمه\* جانفشان امرالله برای ملاقات با خانواده زامنهوف و هدایت اعضای این خاندان به صراط مستقیم

در ۲۹ ژانویه ۱۹۰۴ در شهر ورشو پایتخت لهستان در خانواده زامنهوف دختری با به عرصه\* وجود نهاد که او را لیدیا نام نهادند . والدین او که از یهودیان بلند طبع و روشن فکر بودند نسبت به تعلیم و تربیت پسر و دو دختر خود که لیدیا کوچکترین آنها بود به نحوی شایسته همت گماشتند . لیدیا از دانشگاه ورشو در رشته\* حقوق فارغ التحصیل گردید و سپس قدم در راه معنویات نهاد . پدرش لودویگ ل . زامنهوف مخترع شهیر زبان اسپرانتو با کمک همسر خود کلا را زیلبرنیک که خود مشوق و همکار صمیمی شوهر بود خانه محقر خود را بانوار محبت نوع انسان روشن نمود . مشترکا فرزندان خود را بر روح اتحاد و برادری عمومی پرورش میدادند .

امر حضرت بهاء الله از هر فرصتی استفاده نمود ولی تنها لیدیا بود که بندای امر اقدس ابهسی لبیک گفت . لیدیا که قبل از فوزه به موهبت ایمان تعمیم زبان اسپرانتورا وسیله اتحاد و برادری نوع انسان می پنداشت در سال ۱۹۲۶ به میس مارتا روت چنین اظهار داشت " اسپرانتو در نظر من مکشی است که در آینده بهائیان در آن به آموختن این زبان مبادرت خواهند نمود . اما امر بهائسی قدم فرا تر نهاده هدفی عالیتر و عظمی دیگر دارد ."

لیدیا که اکنون بنار محبت الله مشتعل و دیدگانش بنور معرفت الله ضیائی دیگر یافته بود برای آنکه از بحر بیقران آثار مقدسه ای که حضرت ولی محبوب امرالله به انگلیسی ترجمه فرموده بودند خود را سیراب نماید با زحمات زیاد به فرا گرفتن زبان انگلیسی پرداخت و از آن پس سراسر عمر خود را به انتشار پیام آزادی بخشش حضرت بهاء الله و تعلیم زبان اسپرانتو اختصاص داد .

تسك لیدیا به امر مبارک او را با مشکلات فراوان و مصائب بی پایان مواجه ساخت بعضی از منسوبین او را بسبب ترك دیانت حضرت موسی هدف طعن و ملامت و مورد ناسزا و تهمت قرار دادند و بایضا و آزارش پرداختند و ایمان جدیدش را که جسز اعتقاد بوحدانیت الهی و برادری و وحدت عالم انسانی نبود گناهی عظیم شمردند . اما حب جمال ابهی در قلب لیدیا چنان جای گرفته بود که در مقابل این همه مصائب و مخالفتها استقامت و پایداری نمود و روز به روز آتش شوق و التهاب او در سبیل امرالله بیشتر زبانه میکشید . بسیاری از مقالات الهام بخش او زبانهای اسپرانتو و انگلیسی در مجلات متعدد درج و در سراسر عالم منتشر گردید . نه کتاب از کتب مهمه اسسری را به زبان اسپرانتو و کلمات مکنونه و کتاب بهاء الله

و عصر جدید را به لسان لهستانی ترجمه نمود . حسب الامر حضرت ولی مقدس امرالله در سال ۱۹۳۷ محفل روحانی ملی امریکا و کانادا از لیدیا دعوت نمود که به کانادا سفر نماید . فرایسن کشور با همکاری مؤسسه اسپرانتوی امریکای شمالی به تعلیم زبان اسپرانتو همت گماشت و در شش نقطه از شهرهای کانادا این لسان را تدریس نمود . در این ضمن در رادیو و اجتماعات مدارس کلیساها و سایر مجامع فرهنگی و اجتماعی نیز نطقهای ایراد کرد و در طول اقامت کوتاه خود در ممالک متحده امریکا با قریب ۱۵۰۰ نفر بطور خصوصی تماس گرفت و امرالله را بسمع آنان رسانید یکی از نتایج بارز و درخشان سفر لیدیا به امریکا تکمیل ترجمه کتاب تاریخ نبیل بزبان اسپرانتو بود که بوسیله یکی از یاران امریکائی صورت میگرفت و مشارالیه با تشویق و کمک های ذی قیمت خود عامل مؤثری در اتمام موفقیت آمیز ترجمه ایسن کتاب جاویدان بشمار میرفت .

در ۲۸ نوامبر ۱۹۳۸ که بروز جنگ جهانی دوم قریب الوقوع بود قلب رشوف و پرمهر و محبت لیدیا او را بزادگاه خود ورشو کشاند تا در آن ایام مصیبت بار یار و غمخوار برادر و خواهر با شد در آخرین نامه ای که در تاریخ ۱۸ اگست ۱۹۳۹ بکانادا فرستاد نوشته بود :

" اکنون در لهستان با من جمعا پنج نفر بهائسی وجود دارد و نظر بهمین قلت عدد احبا هسر نفسی که باین جمع پیوند از نظر تقویت حائز کمال اهمیت بوده مقدمش را گرامی میدارم ."

لیدیا در همین نامه اضافه کرده بود که در نظر دارد در ماه سپتامبر در کنگره ملی اسپرانتیست ها در لوو Lvov شرکت نماید و بعد برای چند هفته به هلند مسافرت کند ولی هیچیک از این دو آرزو جامه عمل نپوشید چه دو روز بعد از وصول این نامه لهستان در جنگ گرفتار

جهان در سال ۱۹۸۵ (بقیه از صفحه ۲۶۶)

جزو این قبیل شرکها محسوب میشوند . صرف نظر از این چند مو' سسه معدود که در عرصه معاملات بین المللی پیش آهنگ هستند سایر مو' سسات برجسته که فعالیتهای جهانی دارند اکثرا با طرح و خصوصیات شرکت جنسو سنتریک تطبیق نمی نمایند .

این شرکت جهانی عملا تابعیت کشورهای علمدار پیشرفت صنایع جهان را دارا خواهد شد و در عین حال در تحکیم و تقویت اقتصاد ملی که رو بضعف نهاده اند مانند مکزیک - برزیل - آرژانتین - ایران - اسرائیل - استرالیا - مالزی - تایوان و تایلند و ونزوئلا مرکزی عامل مهم و مو' نری بشمار خواهد آمد . شرکت جنسو سنتریک برای توسیع روابط اقتصادی و بازرگانی با اروپای شرقی - شوروی و چین در ردیف رهبران و رتمای کشورها دست بکار خواهد شد . برای نیل به این اهداف باید شرکت مزبور با بکار بردن تکنیک هائی جدید سهم قابل ملاحظه ای از تخصص مدیریت قدرت مالی و صلاحیت فنی خود را برای خدمت بدنیای عقب افتاده اختصاص دهد .

بنا به گفته هوارد و . جانسون رئیس مو' سسه تکنولوژی ماساچوستس مدیریت آینده احتیاجی عظیم بوجود مردانی لایق و با استعداد دارد مردانی که دارای انرژی کافی و روحی قوی برای نظارت بر تجارت جهانی باشند مردانی کسه مبتکر باشند مردانی که دررفتهای قدرت و ظرفیت بتوانند نظریات و اکتشافات را جامه عمل پوشانند مردانی که تحولات را بپذیرند و خود ایجاد تحول کنند مردانی که در مقابل هرگونه ابهام و شک و تزلزلی قدرت ایستادگی کامل داشته باشند . مسلما آینده متعلق به چنین گروه فعالی از نسل جدید خواهد بود .

و مورد حمله و تاخت و تاز قوای دشمن واقع شد . از آن پس با وجود کوششهای جمعیت صلیب سرخ بین المللی فقط بطور غیر مستقیم اخباری از اگانادا میرسید .

در ابتدای جنگ لیدیا و خانواده اش را با سایر یهودیان رهسو در گتو افکندند و در سال ۱۹۴۲ خانواده زامهوف به اردوی اسرای مرکزی منتقل شدند و درست هیجده سال پس از آنکه لیدیا زامهوف برای اولین بار با احیاء ملاقات نموده بود او را با جمع گیری از یهودیان در سال ۱۹۴۴ در کوره های آدم کشی ترلینکا در حوالی ورشو طعمه آتش نموده سوزاندند .  
خبر این واقعه بر ملال که بسمع مبارک حضرت ولی امرالله رسید تلگرافی باین مضمون خطاب به یاران امریکا و کانادا مخابره فرمودند :

" انعقاد محافل تذکر شایسته در امریکا بیاد بود لیدیا زامهوف سرباز غیور را قلبا تأیید مینمایم . خدمات برجسته استقامت خضوع و انقطاع تزلزل ناپذیر او سزاوار تقدیر و ستایش کامل از جانب پیروان امر در امریکا میباشد . " ( ترجمه )



جوانان بهائی اردستان - سنه ۱۳۰۵ بدیع



کانونشن ملی جوانان پاکستان در حیدرآباد - دسامبر ۱۹۶۸

(۲۸۰)

## گوشه‌ای از تاریخ تیز و پین

در قزوین محلی که بنام مشرق الانکار نامیده شده تاریخچه جالبی دارد که با بعضی از وقایع صدر امر بی ارتباط نیست و ذیلاً شمه‌ای از آن بیان میشود:

"عائله" فرهادی" در اوایل ظهور خدمات مهمه‌ای انجام داده‌اند و شرح این خدمات در تاریخ امر مفصلاً مذکور است.

جناب حاج الله وردی فرهادی علیه رضوان الله سه پسر داشت بنام آقا محمد هادی و آقا محمد جواد و آقا محمد مهدی که کی به امر مبارک موقن بودند.

جناب آقا محمد مهدی در اوایل طلوع شمس حقیقت در قزوین صعود نمود. جناب آقا محمد هادی به امر جمال مبارک حضرت طاهره را از حبس خانه پدرش حاجی ملا صالح قزوینی نجات داد و شبانه به بیت مبارک حضرت بها<sup>۱</sup> الله بطهران رسانید. آقا محمد هادی پس از انجام این خدمت مفقود الاثر شد و کسی از ایشان اثری نیافت ممکن است توسط اعداء<sup>۲</sup> شهید شده باشند.

برادر دیگر جناب آقا محمد جواد فرهادی علیه رضوان الله ملقب<sup>۳</sup> (عموجان) بود که سالها در قزوین زندگی کرد و تا بعد از صعود جمال اقدس ابهی نیز زنده و مصدر خدمات مهمه بوده‌اند. ایشان در اوایل دوره میثاق در قزوین صعود نمودند. جسد ایشان را فانی از آرامگاه وقفی به گلستان جاوید قزوین انتقال داد.

این سه برادر مذکور خانه خود را بمنظور بنای مشرق الانکار تقدیم نموده بودند حتی جناب آقا محمد جواد فرهادی (عمو جان) که ایادی امرالله جناب سمندری را وصی خود قرار دادند این موضوع را در وصیت نامه خود قید نموده بودند.

این بیت نیز تاریخچه جالبی دارد که بدین شرح است:

خاندان "فرهادی" از بدو و طلوع کوبکین ساطعین حضرت شیخ احساسی و جناب سیدرشتی جمیعاً در زمره طائفه شیخیه درآمدند و از عقاید آن دو بزرگوار پیروی میکردند و به محض طلوع طلعت اعلی بدون درنگ مؤمن شدند و نیز در دوره

..... گوشه ای از تاریخ قزوین .....

جمال اقدس ابی به خدمات مهمه فائز گردیدند . این عائله مبارکه که مقامی بس ارجمند در تاریخ امریهائی دارند جمیعا در این خانه ساکن بودند . هم چنین این بیت محل نزول اجلال جمعی از حروف حی و متقدمین دوره اولیه بوده است . این خانه سه بار بدست اعدا بغارت رفته است و رجال خاندان جلیله فرهادی را حبس دشواری کردند بنحوی که سه نفر از مخدرات مظلومه چهارماه زمستان را در خرابه ای بسر بردند . حضرت ظاهره قبل از گرفتاری با این مخدرات مانوس و محشور بودند و بعد از گرفتاری ایشان در خانه پدر رابط و قاصد ایشان با حضرت بها<sup>۱</sup> الله این کمیژان مقرب درگاه کبریا<sup>۲</sup> بودند .

.....

در دوره میثاق جناب حاجی آقا بزرگ و حاجی نظر علی علیه رضوان الله که از تجار معروف و مو<sup>۳</sup> من قزوین و دارای ثروت و مکتبی بودند داوطلب شدند که به خرج خود در این بیت مشرق الاذکار را بنا نمایند . محفل روحانی قزوین آن را موکل به کسب اجازه از محضر مبارک نمود و عریضه ای بحضور حضرت مولی الوری مغروض داشت هیکی اطهر در لوحی که مشحون از ابراز عنایات و الطاف به احبای قزوین بود اجازه بنا را با رعایت ستر و حکمت صادر فرمودند . آن لوح مبارک بدین شرح است :

بسم الله الرحمن الرحیم  
عزیز و عزیز محمد صلی الله علیه و آله

بسم الله

در یادمان زمانه و در تاریخ عید بخت ،  
آنقدر در ملکوت پر مغربید و در دایره عدل و انصاف  
مجتب از سر رسید و از همباز معرفت لغز پایدایت  
وجه منور از گنگا و اوتف در لادگاه و سنگ آینه در این دریا  
و توفیق و هر چه بدین منزه از انبایت ضیاءت سلام  
پیشرفت اگر کفر نیست و عجز و دست و پا  
از کفر نیست و عجز و دست و پا

این گنجینه که در کتب قدسیه است و در ایام حرم نایب در میان کتب قدسیه است  
 تم که در ترازو است و تمام کارهای بنابر حکمت و بسبب بیخ و بن و شکر است از طرف  
 حق تعالی است و در این گنجینه که در این گنجینه است و در این گنجینه است  
 آن که در این گنجینه است و در این گنجینه است و در این گنجینه است  
 در هر یک از این گنجینه است و در این گنجینه است و در این گنجینه است  
 در این گنجینه است و در این گنجینه است و در این گنجینه است

پس از وصول این لوح مبارک در اواخر سال ۱۲۷۸ شمسی بنای مشرق الاذکار شروع  
 شد و در سال ۱۲۷۹ شمسی مطابق ۱۹۰۰ میلادی که این فانی برای امور تجاری  
 به یاد کوه رفته و در آن شهر توقف نموده بودم جناب حکیم الهی علیه رضوان الله  
 دو دستگاه چراغ برای نصب در ایوانهای مشرق الاذکار سفارش فرمودند و این بنده  
 هم اطاعت کرده چراغها را خریده از طریق انزلی (بندر پهلوی) ورشته به قزوین  
 ارسال داشتم .

پس از اتمام بنا احیای قزوین احتفالی آراستند و در مقابل بنا عکسی به یادگار  
 گرفتند و با عرضی ای بحضور مبارک حضرت عبدالبهاء معروض داشتند همگی مبارک





احباب قزوین مقابل ساختمان مشرق الاذکار

ردیف بالا در ایوان ( از راست به چپ )

- ۱- آقا محمد زرگر
  - ۲- آقا حسین جباری
  - ۳- حاجی آقا بزرگ حاج نظر علی ( بنای ساختمان مشرق الاذکار )
  - ۴- ؟
  - ۵- آقا سید اسد الله قمی ( باعما مه )
  - ۶- آقا میرزا اسماعیل
  - ۷- شیخ کاظم سمندر
  - ۸- پشت سر جناب سمندر ( ؟ )
  - ۹- جناب میرزا باقر اسعد الحکماء ( باعما مه )
  - ۱۰- مشهدی باقر ترشیز
  - ۱۱- کربلای نقد علی بقیه السیف زنجان ( ابابصیر )
  - ۱۲- ؟
  - ۱۳- حاج میرزا ابراهیم دوافروش ( پهلوی درخت )
  - ۱۴- جناب حکیم الهی
  - ۱۵- حاجی میرزا اسماعیل خلیلی
  - ۱۶- ؟
  - ۱۷- میرزا حسن خان شعاع لشکر
  - ۱۸- ؟
  - ۱۹- ؟
- ۱- امادی امرالله جناب طراز الله سمندری
  - ۲- آقا میرزا عزیز الله تاجر ( فانی )
  - ۳- میرزا نصر الله خلیلی
  - ۴- عبد الغنی یوسفی
  - ۵- آقا فرج الله فروتن ( ایستاده در عقب با سبیل )
  - ۶- هدایت الله زرگر ( بالباس فیفید )
  - ۷- میرزا عبد الله سمندری
  - ۸- آقا احمد زرگر ( جناب یابهاه الابهی )
  - ۹- آقا عبد العلی سبحانی ( زیر یا بهاه الابهی )
  - ۱۰- آقا محمود زرگر ( جناب یا بهاه الابهی )
  - ۱۱- آقا میرزا عبد الله زرگر ( پشت درخت در ایوان )
  - ۱۲- آقا محمد حلیمی ساز
  - ۱۳- استاد بابا علی چگینی ( بنای مشرق الاذکار با سبیل )
  - ۱۴- آقا حبیب الله صداتی
  - ۱۵- فضل الله پسر استاد بابا علی ( جوان )
  - ۱۶- جناب آقا محمد جواد فرهادی ( صاحب بیت مشرق الاذکار - با ریش بلند )
  - ۱۷- استاد عطاء الله پسر استاد علی بابا ( جوان )
  - ۱۸- استاد لطف الله پسر استاد بابا علی .



..... آهنگ بدیع .....

بنای مشرق الاذکار متجاوز از ۲۵ سال چه در حیات جناب عموجان و چه پس از صعود ایشان محل انعقاد مجالس یاران و محافل ایام تسعه بود و نیز احبایه در اسحار در مشرق الاذکار اجتماع میکردند و به تسلاوت مناجات و آیات می پرداختند . حتی در بین مسلمین به ( مسجد بابی ها ) معروف شده بود .  
پس از صعود جناب حکیم الهی و بسته شدن مدارس بهائی قزوین محل احتفالات و اجتماعات احبای قزوین به منزل جناب حکیم منتقل شد و بنای مشرق الاذکار متروک گردید .

.....

خادم برافزوده ( بقیه از صفحه ۲۷۱ )

عزیز خود ابراز فرمودند که هر کلمه ای از آن مدار تسلی و دوستان و عزیزان دگر محبوب است و نیز جزییات حقله ایشان را نهایت دقت ترتیب و تنظیم فرمودند در عمارت بیت العدل اعظم جمیع اعضا آن عصبه الهیه و همه احبایه حاضر بودند تابوت دگر لطف الله عزیز را سر ساعت پنج بعد از ظهر آوردند و حضرت روحیه خانم که دو ماه بیشتر بود از منزل و اطاق خود خارج نشده بودند با لباس سفید و روسری سیاه و گلی در دست با نهایت وقار و جلال وارد شده مستقیماً بطرف تابوت لطف الله عزیز رفتند گلی را روی تابوت گذاردند و بعد پیشانی خود را بآن چسبانیدند مدتی بهمان حال بودند فرمودند یکی از دوستان گوئی پیامی برای محضر مقدس حضرت ولی امر الله ارسال داشتند . در این موقع چشبی نبود که گریان نباشد ادعیسه و نماز بنحوی تلاوت گردید که اغیار گفتند حقله ای بدین روحانیت و صفا تا به حال ندیده اند بعد همگی بسوی گلستان جاوید رفتند تا غروب آنجا بودند این شمه را برای اطلاع و تسلی خاطر آن برادر محبوب و حضرت دگر غلامحسین خان بکمال عجله عرض نموده ام . البته قبول دارم انشاء الله که شما و جمیع اعضا عائله جلیله حکیم که از ارکان امر مبارک در آن اقلیم جلیل هستند در نهایت صبر و رضا و تسلیم به خدمات عالییه خود موفق و مداوم باشند .

# چرا باید کرد

از: دکتر علیراد واووی

بنگارد و چندان بنگارد که دل های سخن پذیر جوانان ما را که آگنده از نشاط حیاتی و لبریسز از انبساط روحانی است از آرام و قرار دور سازد و خلجانی را که لازمه چنین اهمای است در این دل های شوریده شیفته فرو اندازد .

۲ - افکار بنیان کن هستی براندا از از دنیای رسوای راه گم کردگان به ارمغان میرسد . این مائیم که باید به هوش آئیم . چشم جان و گوش هوش و زبان دل را بگشائیم . ببینیم و بشنوم و بگوئیم . آدمکهای فیلسف نمائی را که از اثبات زبونی آدی به خود می بالند به جای خود نشانیم . به کسانی که سرگردانی و بی نظمی را تنها چاره \* انسان در هستی چاره ناپذیر و تنها معنی زندگی در جهان بی معنی می پندارند نهیب جهاد روحانی بزنیم .

روزگاری بود که تنها فکر زبان آوری که در زمین \* خارج از عقاید اهل ادیان با آن روبه رو بودیم

دیوان عدل الهی اخطار فرمود که نیی از فرصت را از دست داده ایم و بیش از نیی از نقشه همچنان بجای مانده است . البته این طرح عظیم نیز مانند طرحهای دیگری که در گذشته داشته ایم به انجام خواهد رسید و چشم دوستان به زیارت پیایی که حاکی از بشارت کام یابسی است روشن خواهد شد . اما آنچه (ما) بر عهده داریم چیست ؟ یا بهتر آنکه بگوئیم " آهنگ بدیع " را در قبال این امر جلیل چه تکلیفی است ؟

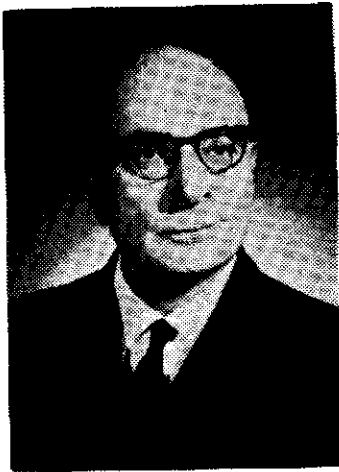
گفتن و نوشتن همواره در برانگیختن و پراه انداختن تأثیر بخشیده است . خاصه اگر گفته ها و نوشته ها در مجموعه هائی چون مجله ها باشد و شماره های آن پیایی به خوانندگان عرضه شود پیوسته در نباله سخن را بگیرد و با اصراری که می ورزد عروض نسیان را بر قلوب خوانندگان مانع آید . در ماه هائی که در پیش دارد سخنانی دل پذیر در باره \* این سفرهای پرثمر بنگارد . چنان

افکار طبیعیین و مادیین بود . اما اینک افکار دیگری نیزکه هستی را بوج و زندگی را بی معنی میدانند به میان آمده است . افکاری که عقل را از اعتبار می اندازد تا در سایه \* بی خردی هرگونه تباه کاری را موجه سازد . افکاری که نفی هرگونه نظام و انکار هرگونه ثباتی را میکند تا بسازار زندگی را هرچه آشفته تر گرداند . افکاری که جهان هستی را فاقد هرگونه معنی میداند تا در چنین جهانی سخنان بی معنی را رواج تمام و قبول عام باشد . البته ظهور چنین افکاری - اگر بتوان نام افکار بر آنها گذاشت - چون واکنشی در قبال عقاید مادی است و علائمی از شکست فکری و فقر فلسفی جهان بی دینان است به سود ایمان دینی و فکر روحانی است . اما بیسم آن می رود که در این میان تنی چند از نوجوانان ندانسته به دام افتند و چشم بسته زبان کنند " آهنگ بدیع " باید سمت راه نمائی خود را از یاد نبرد . سد سدیدى را که قلم اعلی در برابر چنین افکار مرگ باری بسته است به خوانندگان فرا نماید و آنان را در پناه این سنگر استوار از این آسیب ها در امان دارد .

۳ - آداب از اعتبار می افتد . اخلاق به سقوط میگردید . هر زگی و دریدگی به حسد شیوع میرسد . معاشرت ها از فساد مایه می گیرد دوستی ها به خیانت مشوب می گردد . آرایشها سرمایه \* آرایش ها می شود . هنرها در خدمت شهوت ها دست می بندد و سر فرود می آورد و جوانان ما گل های خوش رنگ و بوی ما امیدها و آرزوهای ما ناچار در چنین دنیائی به سر میبرند با چنین وضعی خوبی میگیرند و در چنین راهی قدم بر می دارند . آیا بر " آهنگ بدیع "

نیست که در این راه پر مخاطرات سراپا آفت دستگیر و پشتیبان و راه نمای آنان باشد ؟ بیای پیام نیک بختی و بهروری بدانان رساند و با سخنانی که از حکمت و ایمان مایه می گیرد چشم بینای آنان را بیناتر گوش شنوای آنان را شنواتر و هوش تیزتر و آنان را تیزتر سازد . بی فروشان و ورق سازان و " بیست " گردانان را از کوی صاحب دلان نا امید و نا کلم باز گرداند . سوداگران شهوت را در سستی که جوانان قرن یزدان صف کشیده اند به کساد بازار مبتلی سازد و ورشکسته و سرفاکنده و بازوبه گردن انداخته بر جای خود فرو نشانند . اینهاست سخنانی که می توان گفت و باید گفت اینهاست کارهایی که می توان کرد و باید کرد . نویسندگان آهنگ بدیع باید در این زمینه قلم ها را به کار اندازند و تا آنجا بنویسند که دیگر نیازی به نوشتن نباشد . خوانندگان نیز ناگزیر باید در این راه یاور نویسندگان باشند . آنچه را که لازم می بینند بنویسند و بفرستند و بخواهند تجربه هائی را که اندوخته اند از نخواستگارانم در رخ نورزند . شنیده ها و خواننده ها و آموخته ها خود را بازگویند و فرا نمایند و این مجله را که از نقص وسائل مادی انتشار دچار تنگناست با سرمایه معنوی قرین افتخار و اعتبار سازند .

# مصاحبه با جناب دکتر برافروخته



چنانکه دوستان عزیز الهی استحضار دارند تیمسار سرتیپ دکتر علی محمد برافروخته و خانم تقریباً مدت ده سال در کشور فرانسه ساکن و مهاجر آن دیار بوده اند. برای استفاده از تجارب و مشاهدات ایشان در طی این دوره آهنگ بدیع مصاحبه ای با ایشان ترتیب داده است که ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی میگذرد:

.....

س - میدانم که شما برای مهاجرت به کشور فرانسه رفته بودید ممکن است جریان آن را توضیح دهید و فرمائید چگونه امر تبلیغ در آنجا پیشرفت مینماید؟

ج - بنده و خانم در سال ۱۹۵۶ بامر مبارک حضرت ولی عزیز امرالله به فرانسه رفتیم بدو در پاریس ماندیم ولی بعضی از دوستان که از تشریف حضور مبارک بفرانسه میآمدند ابلاغ فرمودند که هیکل اقدس مایلند که شما بجنوب فرانسه در شهر نیس بروید و آن سال محفل روحانی این شهر را تشکیل دهید ما هم فوراً اطاعت کرده به نیس رفتیم.

س - موقعی که شما بفرانسه رفتید چند نفر بهائی داشت و در مراجعت شما عدد آنها به چند میرسید؟

ج - در ابتدا فقط محفل روحانی پاریس و لیون موجود بودند بعداً محفل روحانی نیس و سپس محفل روحانی ماری و اورلئان و چند محل دیگر تشکیل شدند و در آوریل (رضوان) سال ۱۹۵۷ بر حسب امر حضرت ولی محبوب امرالله محفل ملی با هفت محفل محلی تشکیل گردید. در ابتدای ورودمان بیش از یکصد و پنج بهائی فرانسوی در این کشور موجود نبود ولی بعداً بیش از چهارصد و پنجاه نفر دیگر تصدیق کردند و تمام لجنات مختلفه را تشکیل دادند. تمام کتب امری از روی ترجمه های انگلیسی حضرت ولی امرالله به فرانسه ترجمه شده - بهائیان فرانسوی نماز بزرگ و کوچک را میخوانند روزه میگیرند و در انتخابات با نهایت روح و ریحان شرکت مینمایند و تعطیلات بهائی را هم مراعات مینمایند.

س - موضوع حرمت شرب مسکرات چگونه برای آنها حل شده است ؟  
ج - فرانسوی بسیار منظم است همین که حرمت موضوعی را فهمید فوراً اجرا مینماید . احبباً در رستورانهای و پذیرائی های داخلی و خارجی از نوشیدن الکل خودداری مینمایند .  
س - در تبلیغ امرالله کدام دسته از مهاجرین بیشتر موفقیت دارند ؟  
ج - فرانسویهای جنوب فرانسه مثلاً نیس - ماری - لیون - مونپلیه - تولوز و غیره روحیه ایشان شباهت کاملی به روحیه ایرانی دارد و جاذبه مخصوصی هم برای ایرانیان دارند از این لحاظ بهائیان ایرانی مقیم فرانسه موفقیت تبلیغیشان خیلی بیشتر میباشد .  
س - امر بهائی از چه سالی در فرانسه نفوذ کرده ؟

ج - دیانت مقدس بهائی از سال ۱۸۸۶ در فرانسه نفوذ کرده زیرا کنت دو گوینو کتاب معروف خود راجع به حوادث دوره حضرت اعلی و شهادت مؤمنین اولیه را نوشت و چاپ کرد و این کتاب منتشر شد و سبب جلب نظر سایر خاورشناسان جهان مانند پروفیسور براون و چند نفر دیگر از خاورشناسان آلمانی و اطریشی و غیره گردید که کتابهای گوینو را به زبانهای مختلفه اروپائی ترجمه و منتشر نمودند حتی کتاب گوینو بقدری جالب بنظر رسید که خود پروفیسور براون کارا در کتابهای مختلفی که راجع به امر نوشته اسم گوینو را بنام منبع الهام خود ذکر نموده است .

مثلاً در نخستین کتاب براون بنام *A Year Among the Persian* یا ( یک سال در میان ایرانیان ) صراحتاً اقرار کرده که هیچ کتابی تا کنون حوادث اولیه عهد رسولی را از شهادت و غیره باین خوبی کسب گوینو نوشته بررسی نکرده است بعلاوه گوینو فرانسوی از کتاب بیان فارسی در انتهای کتاب معروف خود بنام *Les Religion et la Philosophie en Asie* یا ( مذهب و فلسفه در آسیا ) قطعاتی ترجمه کرده است به قسمی که میتوان گفت که امر بهائی از همان سالهای اولیه تأسیس در اکثر کشورهای اروپا معروف شده و این موضوع را هم خود پروفیسور براون در کتابهایش ذکر کرده است .

س - آیا در آن سالها از بین بهائیان اولیه کسی بحضور مؤسسین امر بهائی مشرف شد یا خیر ؟  
ج - بسال ۱۸۹۸ یعنی شش سال پس از صعود جمال اقدس ابهی نخستین گروه بهائیان فرانسه که اولین جمعیت بهائی اروپا بود به حضور حضرت من طاف حوله الاسما حضرت عبدالبهاء رسید و بسیار مورد توجه و عنایت مرکز میناقی عهد الهی قرار گرفتند .

س - آیا نویسندگانی کتاب مقاضات چنانچه شنیده ایم هنوز حیات دارد ؟  
ج - نویسندگانی کتاب مقاضات که بفرانسه بنام *Les Lecons de St. Jean d'Acme* یاد رسهای عکاتامیده میشوند هنوز زنده و در نهایت خوبی در کوچه رنوآر پاریس زندگی مینمایند . این خانم زکیه سالهای متعددی در محضر اطهر مرکز میناق بسر برده و سوالات خود را مطرح مینموده و سپس جوابهای صادره از فم اطهر را یادداشت میکرد و سپس در اوقات فراغت جمع آوری و تنظیم مینموده و بحضور حضرت عبدالبهاء ارواحنا لمرسه الاطهر فداء میفرستاد که تصحیح فرمایند و خود مادام باری Barney مسوده تصحیح شده را که تمام تصحیحهای مورد ذکر بخط حضرت عبدالبهاء صورت گرفته بمن نشان داد و من از ایشان تقاضا کردم که بساحت دیوان عدل اعظم الهی تقدیم نماید . این کتاب پس از تصحیح مجدداً به فرانسه فرستاده شد و مادام باری و شوهرش هیپولیت در پافوس آنرا بفرانسه بسیار سلیس ترجمه نمودند و از آن ترجمه فرانسه به تمام زبانهای جهان ترجمه شده است .

جمعی از احباب شمال فرانسه در روز تبلیغ ناحیه اورلئان



نمایی از حظیره القدس پاریس





..... آهنگ بدیع .....

س - در حال حاضر کتابهای امری که به زبان فرانسه ترجمه و چاپ شده کدام است؟  
ج - کتابهای مناجات و کتبه کتابهایی که حضرت ولی محبوب امرالله به انگلیسی ترجمه کرده اند یا بفرانسه ترجمه و چاپ شده و یا در دست اقدام است . مثلا کتاب منتخبات آثار جمال اقدس ابی بسه خرج و اهتمام میس ساندرسن Miss Sanderson که قسمتی از ثروت خود را وقف چاپ کتابهای فرانسه کرده بود چاپ و بنام دیانت جهانی بهائی La Foi Mondiale Baha'ie نامیده میشود .  
کتاب God Passes By هم به فرانسه بسیار پاکیزه و سلیسی ترجمه و چاپ گردیده و قریبا منتشر میگردد . همچنین برای اعلان عمومی امر بهائی و دستور دیوان عدل الهی قسمتی از الواح ملوک در یک جلد مخصوصی که یک صفحه آن عین لوح بیزان نازله ( عربی یا فارسی ) و در صفحه مقابل ترجمه همان آیات به فرانسه نوشته شده و تذهیب گردیده توسط مؤسسه مخصوصی اینکار چاپ گردیده قریبا منتشر خواهد شد و بنده عضو کتبه ترجمه کتاب God Passes By هم بوده ام و در انتخاب مؤسسه که برای چاپ کتاب فوق الذکر اقدام خواهد کرد تا حد امکان اقدام کرده ام .

س - در حال حاضر آیا بهائیان فرانسه مرکز اداری ملی ( حظیره القدس ) دارند یا خیر؟  
ج - حضرت ولی محبوب امرالله دستور فرمودند که حظیره القدس ملی در ناحیه ۱۶ پاریس که در نزدیکی جنگل بولونی میباشد خریداری گردد که از بهترین نواحی پاریس و دارای هوای بسیار خوشی است و جنب بولوار دلسر Delessert یعنی همان نقطه ای است که حضرت عبدالبهاء در مدت اقامت خود در پاریس در آنجا تشریف داشتند امروزه این حظیره القدس خریداری و موجود و تمام احتفالات و ضیافت و کتبه های ملی و محلی پاریس در این نقطه تشکیل میشود .

س - آیا دولت فرانسه امر بهائی را به رسمیت شناخته است یا خیر؟  
ج - بله بسال ۱۹۵۸ در ماه ژانویه که محفل مقدس روحانی ملی بهائیان فرانسه اساسنامه خود را برای دولت فرانسه ( وزارت کشور ) فرستاد وزارت کشور هم به اداره شهرداری پاریس دستور داد که دیانت بهائی را به رسمیت بشناسد و در روزنامه رسمی دولت فرانسه چاپ و منتشر گردیده است .  
س - آیا بهائیان فرانسه در اجرای نقشه منیعه نه ساله بیت العدل اعظم الهی سهمی دارند؟  
ج - در کلیه کشورهای فرانسه زبان مطبوعات بهائی از طرف محفل مقدس روحانی ملی بهائیان فرانسه فرستاده میشود حتی به ویت نام و جزایر جنوب آسیا مانند هائیتی Haiti و تائیتی Taiti و غیره و نقاط مفصلی هم در نقشه نه ساله سهمیه محفل مقدس روحانی ملی بهائیان فرانسه میباشد که بسا نهایت جدیت و فعالیت اقدام مینمایند .

.....

از لطفی که برای قبول این مصاحبه فرمودید بسیار متشکریم و انشاء الله در آینده نیز مصاحبه های دیگری با شما خواهیم داشت .

# مجلس قدسیان

از: بهجت بهمنی

ساقی بده آن می مغانه  
یک جرعه از آب آتشین ده  
ای بحر بر این غریق موجی  
رستیم به جام صبحگاهی  
دنيا بخیال شخص سیراب  
ای تیرکمان ابروی تو  
باز آمد و آشیان بناکسرد  
در مجلس قدسیان زمستی  
مالید چو گوش چنگ مطرب  
کاواز برآمد از چغانسه  
چون آتش ما کشد زبانه  
گافتم بکار از این میانه  
از درد سرمی شبانه  
باشد چو سراب نیکرانه  
بر سینه مرغ جان نشانه  
این طائر دور از آشیانسه  
افتاده بدم در آستانسه  
بر خاست ز چنگش این ترانه

امروز بدیع گشت و خرم

عالم ز لقای غصن اعظم

(۲۹۴)

# کتاب مستطاب اقدس

نقل از اسرار آقا خضری (جلد اول)  
تألیف: فاضل شیرخاں فاضل نازدانی

و خصائص عمومی آیات و بیانات ابهی نظریه عربیت و مراعات قوانین ادبی و فصاحت و بلاغت و سلاست و سهولت و عذوت و در عمق و مناعت و توسع بنوی بدیع منتظم و بجز مواضعی چند که دقتی لازم است تعامت آیات احکام واضح الارتباط و التوالی میباشد و علت ضرورت احکام و تأکید در عمل را به غایت استحکام آورده و استدلال برای اثبات حقیقت این امر و مقام شامخ مظهر آنرا نیز همده دار شده اعتراضات معترضین را جواب گفته بشارت و انذارات نسبت به آتیه را به حد کمال رسانده . این کتاب که به اسلوب و نظم عظیمی با اولین آیه راجع به اساس عرفان و ایمان در جبهه اش علامت و آغاز شد در خست تصاعدی تعالیم بآیات راجع به بلوغ عالم منتهی گشت .

و در خطابی از حضرت عبدالبها\* به میرزا فضل معاون التجار در میآند و آب قوله :  
" کتاب اقدس را بخط من ادرك لقا  
ره حضرت زین المقربین علیه بها\* الله تطبیق  
نمائید . . . " خط جناب زین صحیح است " الخ  
که دلالت بر تنفر و کراهیت ایشان از تصرفات

کتاب اقدس کتاب شریعت بهائیه و ام -  
الکتاب این امر به سال ۱۲۸۶ هـ ق در سجن  
اعظم سربازخانه عکاشروع شد و بدین نام مسمی  
گردید و شریعت بیان را نسخ و تغییر داد و مرجع  
تمام احکام و اوامر و نواهی گشت و نسخه اش از  
عکا برای اهل بها\* رسیده منتشر شد و زین المقربین  
موصوف در تحت همین نام به نوی که در تحت  
نام سو\* ال مشروح و مفصل میباشد قبلا و بعدا  
سو\* الاتی از احکام و مقررات و نیز از تبیین و تفصیل  
بعضی از آیات کتاب عرضه داشت و اجوبه\* صدور  
یافت که مجموع و منتظم گشته بعد از چندی بنام  
رساله\* سو\* ال و جواب منتشر و نیز مطبوع گردید  
و رساله\* مذکور به مقام مبین و متم کتاب محسوب  
است .

در الواح دیگر ابهی خصوصا در آثار مولی السوری  
عبدالبها\* و هم از مقام ولی امر الله دستورهائی  
است که تبیین و تفصیل و فروع احکام کتاب بلکه  
بالنسبه بظواهر کتاب احکام حدید میباشد و لاجرم  
شریعت معموله امروزه\* بهائی مجموعه\* احکام  
و معارف و عقاید مذکوره است که در کتاب امر  
و خلق منظم گردید و کتاب اقدس بعلاوه فضائل

وصراطه الاقوم بين العالمين قل انه لمطلع علم الله لو انتم تعلمون... قل تالله الحق لا يغنيكم اليوم كتب العالم ولا ما فيه من الصحف الا بهذا الكتاب الذي ينطق في قطب الابداع انه لا اله الا انا الحكيم العليم... قل هذا روح الكتب قد نفخ به في القلم الاعلى وانصعق من في الانشاء الا من اخذته نفحات رحمتي وفوحات الطافي المهيمنة على العالمين... من يقر آيه من آياتي لخبر له من ان يقر كتب الاولين والآخرين.

ديگر راجع به موضوع تطبيق كتاب با قوانين مقررہ ادبيہ قوله :

" قل يا معشر العلماء لا تزنوا كتاب الله بما عندكم من القواعد والعلوم انه لقسطاس الحق بين الخلق قد يوزن ما عند الامم بهذا القسطاس الاعظم وانه بنفسه لو انتم تعلمون ( نظربقوانين نحوه استعمال قد بر فعل مضارع يوزن نه برای افاده " تقليل خلاف مشهور میباشد ولي در كتاب شرح رضی است " وقد يستعمل للتحقيق مجردا عن معنى التقليل نحو: قد نسرى تقلب وجهك ويستعمل ايضا للتكثير في موضع المدح كما ذكرنا في ربما قال تعالى " قد يعلم الله المعوقين " ... ودر كتاب مغنى اللبيب " وقد مضى ان بعضهم حمل عليه قد يعلم الله ما انتم عليه قال الزمخشري دخلت قد لتوكيد العلم ويرجع ذلك الى توكيد الوعيد )

واینکه در صورت تخالف كتاب باقوانین ادبيہ و غيرها که فیما بین ملت مقرر بود از آنها صرف نظر کنند بهمین منوال پس از صدور قرآن و آئین اسلام نسبت به قواعد مقررہ عربان جاهلیه بعمل آمد و آنها منسوخ و متروک گشت و در ذیل کلمه قد هم ذکرى است .

و نیز در باره " نظم كتاب اقدس است قوله :  
" قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم

در آثار اصلیه مینماید و غصن اکبر الواح کبیره \* مطول و متوسط و مختصری رابتوالی و تنازل در طبعه اول منظم نمود و طبعه اولی مذکور در بعضی در حدود سال ۱۳۰۸ هـ ق صورت گرفته و طبعه ثانیه كتاب چند سال دیگر بعد از آن حضرت بعین همان اول وقوع یافت و طبعه ثالثه متأخرا در طهران فقط نفس كتاب اقدس به طبع نشاء مرغوبی صورت یافت و طبعه رابعه درین سنین نیز مانند ثالث واقع شد .

و بعضی از مواضع مهمه که در آن كتاب متعرض شدند آنکه چون در سالهای ادرنه بعد از یوم الفصل و ارتفاع رایت استقلال این امر بسیاری از مؤمنین اقتضا و اصرار صدور احکام نمودند و در الواح صادره در جواب نظر بیه مصالح وقت امر به اقتفا و اتباع اعمال و سنن و اخلاق خود میفرمودند تا آنکه استدعا مقبول گردید قوله :

" قد حضرت لدى العرش عرائض شتى من الذين آمنوا و سألوا فيها الله رب ما يسرى و ما لا يرى رب العالمين لذا نزلنا اللوح و زينناه بطراز الامر لعل الناس باحكام ربهم يعملون و كذلك سئلنا من قبل في سنين متواليات و امسكنا القلم حكمة من لدنا الى ان حضرت كتب منفس معدودات في تلك الايام لذا اجبناهم بالحق بما تحين به القلوب ."

و در اثرى به امضاء خادم الله خطاب به زين المقربين مورخ ۱۲۹۶ چنین مسطور است قوله :  
" و اما در باره " كتاب اقدس مرقوم داشته بودید مخصوص جناب آقا محمد باقر عليه ۶۶۹ بفرستید فارسى آن چند فقره از قبل نازل و بعد قلم اعلى توجه به بیانی فرمود لذا ارسال شد ."

و دیگر راجع به عظمت مقام كتاب است قوله :  
" هذا كتاب اصبح مصباح القدم للعالم

۱۲۸۸ هجری با همراهانش در عکا هلاک گردید  
و از این معلوم است که اتمام کتاب در حدود آن  
تاریخ وقوع یافته .  
و در اثری دیگر به امضا " خادم خطاب به آقا  
جمال بروجردی است :

" این بسی واضح که کتاب اقدس از  
سما مشیت نازل شد و در سنین معدوده مستور  
بود تا آنکه جمعی از نفوس مقبله " موقنه از اطراف  
از احکام الهی سؤال نمودند و بکمال عجز و  
ابتهاج سائل شدند لذا امر بار سال کتاب اقدس  
شد . " الخ  
و از این و آثاری دیگر مستنبط است که ارسال اولین  
نسخه کتاب اقدس به ایران در حدود سال  
۱۲۹۰ شد .

و لوح اقدس

لوحی است که برای تنی از مسیحیین که ایمان  
به این امر یافت صادر گردید قوله :  
" هذا کتاب من لدنا الی الذی ما  
ما منعتہ سبحات السماء " عن الله فاطرا الارض  
والسما ."  
و استعمال کلمه مقدس و اقدس در آثار و افواه  
به تجلیل محض ابهی در عکا و غیرها بسیار  
است از آن جمله در کتاب اقدس است :  
" شطری الاقدس المقام المقدس "  
و در آثار حضرت عبدالبهاء و افواه بهائیان  
آن عصر متداول و کثیر الاستعمال بود .

و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ماشهدت  
عین الابداع شبهه اغتسوا فی بحر بیانی لعل  
تطلعون بما فیہ من لثالی الحکمة و الاسرار ."  
و نیز راجع به اتباع آن کتاب در لوحی است :  
" تمسکوا بالکتاب الاقدس الذی انزلہ  
الرحمن من جبروته المقدس المنیع انه لم یزنا  
الله بینکم یوزن به کل الاعمال من لدن قوی  
قدیر ."

و در لوحی دیگر :

" هو المقدس عن الذکر و البیان ذکر من لسی  
المظلم الی الذین آمنوا باللہ المہین القیوم  
لیأخذہم فرح ذکری الاعظم ویقرہم الی العزیز  
التحیوب و نوصیکم یا احبائی بتقوی اللہ و اتباع  
ما نزل فی کتابہ المحفوظ و انه لکتاب الاقدس ."  
و در لوح خطاب به جناب میر عبدالرحیم الذی  
فاز :

" قوم ص قد انزلنا فی السجین کتابا مسمی  
لدى العرش بالکتاب الاقدس و فیہ شرعنا  
الشراعیع و زیناه باوامر ربک الامر علی من فسی  
السموات و الارضین قل یا قوم تمسکوا به ثم  
اعلموا بما نزل فیہ من بدایع احکام ربکم الغفور  
الکریم انه ینفعکم فی الدنیا و الاخره و یطہرکم  
عما لا ینبغی انه لہو المدبر المبین المعطی  
البازل العزیز الحمید ."

و در ذیل نام بیان نیز شمه ای ثبت است :

و در بیان تاریخ صدور کتاب اقدس از آن جمله  
در یکی از آثار با امضا " خادم چنین مسطور است :  
" در این حین به آیه مبارکه کتاب اقدس که  
در اول سجن از ملکوت مقدس نازل شد متذکر  
شدم . " الخ

و در نفس کتاب ضمن خطاب به میرزا یحیی از  
است :

" قد اخذ الله من اغواک "

و مرا دسید محمد اصفهانی میباشد و او به سال

# نامه تاریخی

سواد مرقومه جناب حاجی میرزا حیدر علی

مؤرخ ۱۴ ذی الحجه سال ۱۳۲۷ هجری قمری

هویتی و حقیقتی لکم و لخلوصکم و نبوتکم الفداء

الحمد لله اقلیم خراسان بنور محبت و نبوت روح عبودیت و تقنوت و عرف جانفشانی و استقامت حضرت آقا عزیز الله روحی فداء روشن و زنده و معطر شده است و آن جناب در جمیع رتائم بشاشت و تشکر فرموده اند و کذلک سائرین هم نوشته اند و مسرور و ممنون بوده اند . بدرگاه حضرت احدیت متوجه و متضرعیم و بدامن مبارک مشرق عبودیت و مطلع رقیب و محویت متوسلیم که آن - کشور بکلی تقلیب و تبدیل و تحویل گردد و همت و خلوص نیت و حسن سیرت و سریرت آن جواهر محبت ظلمت ضلالت و ظلم را و ذلت جهالت و توحش را زائل و معدوم فرماید و عالم را عالم دیگر و جهان را رحمانی ربانی فرماید ، الحمد لله از جمیع جهات اخبار خوش وحدت و اتحاد و اشتعال و انجذاب و استقامت و جانفشانی احبباء الله روحی فدا هم علی التوالی میرسد . د . شیکاگو زمین وسیعی رحیبی خریده اند و میل مبارک اقدس این شد که از جمیع بلاد و نفسوس و اماه و کوچک و بزرگ اعانه و کمکی برایشان برود و از ساحت اقدس ابتدا فرموده اند و حتی اطفال هم ده متالیک تا سه متالیک خود آوردند و دادند و نزدیک صد لیره شده است و هنوز تمام نشده است و به حضور مبارک مشرف نشده است و این عزم جزم مبارک خیری است عام ابدی و ثمراتش همه را شامل است و عالم را متحد مینماید و کارها را سهل و آسان میکند و دورها را نزدیک میکند و بیگانه را یگانه مینماید بشارت فرمودند که لوح مبارک مقدس عموم هم نازل نمایند که جمیع اهل بها در این عمل مبرور مشرک شریک شوند و حقیقه این قرض الحسنه لله فی الله خالصا لوجه الله است و هر وقت هر جایی هم تأسیس مشرق الازکار میخواستند نمایند و یا تأسیس خیری نمایند آنها و همه شریک خواهند شد دیگر نمیدانم نازل شده و یا میشود چه خوب است و مبارک است و سبقت در خیرات است و سرعت در حسنات است چه که بسیاری هستند . قوه تأسیس مشرق الازکار را دارند و طالب و مشتاقهم هستند و حال شهر و محلشان هم مقتضی این تأسیس مبارک نیست و البته بیم و خوف فوت شدن هم هست چه که از فردا نفسی خیر ندارد و بر حیات خود موفق نیست ممکن است آن وجه مخصوص را که برای این عمل مبرور است حالا کمک احبباء الله شیکاگو نماید و بعد از اتمام آنجا ایشان هم اعانه فرماید بوجهی بلکه ممکن است علاوه بوجه بنفوس هم کمک و نصرت نمایند باین معنی که اهالی آن اقلیم بیایند مثلادر مشهد مقدس و باسم خود تأسیس نمایند و حال اینکه از اوست و بعد باسم او رقم کنند یا نکنند چه که خیر فاعلش را البته میشناساند . خدمت تمام احباب و خوانین و قائمین و خاد میمن از مسلمین و جدید روحی فدا هم و انجمن مبارک و کل فی الکل را من الکل سلام برسانند . حضرت آقا سید اسد الله برخیز مات حاضر است و سلام دارند و السلام علیکم

# قسمت نوجوانان

مطالب این شماره :

- بیان مبارک حضرت عبدالبها - برخیزیم و بخرامیم -
- جنود ملاه اطنی - یک نفر هست - سواحل مستعد -
- قسمتی از یک مکتوب - از بدایع الآثار - مسابقه این شماره - جواب مسابقه شماره ۲۹۱ -

از بیانات مبارکه حضرت عبداله‌آء :

امروز روز خدمت است ، جامه خوف و صمیت و سکون را  
بنطق و بیان و اطمینان و اہترار تبدیل نمایند .



# بر خیزیم و بخراشیم

از: منوچهر شاعری

مهاجر عزیز بولیویا

## دوست من

نمیدانم از درگاهش جز روشن بینی و نیک اندیشی برایت چه بخواهم و رجای این دو از آن روست که خود فهمیده ام سخنانم دلپذیر نیست لکن ترا دلی سخن پذیر هست .

نوشته بودی کلمه ای بنویسم و سخنی بگویم . چه بنویسم و چه بگویم و حال آن که همیشه سلطان معرفت دوستان را غلامی خموش بوده ام و درگاه دانائیشان را چاکری حلقه بگوش . نه کنجکاو در سرای فکرت آنان توانم و نه خرده گیری بر روشهای ایشان اما اندک زمانی است که به نسیم فضل خداوندی چون بازمانده های نا چیز خرومن هستی لرزشی داشته ام و خارج از دایره استحقاق در حلقه مهاجرین پای گذاشته ام از این رو قلم را با همه ناتوانی برداشتم \* لغزنده کاغذ میگذارم و امید آن دارم که گردش را گذشت و صبر مراقب شود و کوشش را توجه و مهرت همراه گردد .

برایت نوشتم که واکنشها در برابر کلمه مهاجرت متفاوت است . عده ای در مقابل تمام پدیده های خارج از وجودشان بی تفاوتند . این بی تفاوتی از کجا میآید سخنی است و مطلبی که نامه ای جداگانه میخواهد . در هر حال این دسته نمیخواهند که بدانند و بتوانند و گروه دیگر عزیزانی که میخواهند ولی نمیتوانند و بالاخره آنان که میتوانند لکن نمیخواهند . با جوانان دسته اخیر صحبتی داریم و گفت و شنودی . ولی ترس

آن دارم که از گذر قلم بر برگ دلشان غبار رنجش نشیند .  
بس بگذار دوست من بهانه ها را از زبان تو بشنوم .  
چرا يك جوان با همه توانایش ندای هجرت را بیک نمیگوید ؟  
— آه رشته های مهر و بستگی به میهن عزیز بسیار قوی است و دوری از آن برایم غیر  
ممکن است .

— جدائی از خویشان و دوری از اطرافشان را نمیتوانم از فراقم فراغی ندارند از آن رو که  
جگر گوشه ایشان و فرزند محبوبشان ،

دوست من گذشته از آنکه در امر مهاجرت رضایت والدین شرط نیست همه  
این بهانه ها هم تنها غم دوری از خانه نتواند بود کمی هم خوگیری به اطرافیشان  
است و پای گذاشتن در درد های ایشان عادت به محیط است و بستگی به طبیعت  
اطراف . اما راستی چرا این يك را هم از همان طبیعت نمی آموزی ؟ پرندهگان را به بین  
بچه هایشان چون پرواز آموختند برخانه پدری پر دوری میریزند و خود در پی سودائی  
دیگر میگریزند . يك نویسنده عرب میگوید " میدانی چرا پرندهگان در قفس لانه نمیسازند ؟  
چون نمیخواهند اسارت را برای جو جگان خود به میراث بگذارند . " و حال آن که  
پدران ما در قفس عادات آشیانه ساخته اند و میراث بستگیهای محدود کننده را چاشنی  
حیات فرزندانشان کرده اند . این فرصتی است و فضلی که رهایشان نمایند تا بس—  
مصداق این لوح مبارک شهیری بکشایند و صیدی بنمایند :

هو الابهسی

ای باز هوای محبت الله وقت پرواز است و کشف راز است و هنگام هجر و نیاز است تا  
توانی همتی بنما و شهیری بگشا و صیدی بنما و شکاری بیفکن تا در ساعد شهریار ملکوت  
مقریابی و در فضای دلگشای گلشن حی لایموت سیر نمائی اگر بدانی که چه فضلی محیط  
است و چه عنایتی در این بسیط البته جسم بگذاری و جان شوی عالم خاک بنهسی  
کوکب افلاک گردی و البها علیک . ع ع  
و باز خواهی گفت :

— تحصیل مانع کار است ؟

آری تحصیل علم در این امر بدیع مقامی رفیع دارد . لکن هدف از تحصیل ممکن است  
چه چیز باشد ؟

الف — مدرک . اگر هدف مدرک است که امروزه در هر گوشه دنیا وصال چنین  
شاهد چاپ شده ای آسان است و در بعض موارد رایگان .

ب — دانائی بیشتر و بینائی بهتر . لازمه چنین آرزائی دارا بودن روانی است که  
دانش را در هر نقطه ای بجوید و حکمت را با تمامی وجود بخواند . بدیهی است در اثر  
هجرت نه تنها توج این دریا آرام نمیگیرد و التهاب این آتش خاموشی نمیبزیرد بلکه  
چنانکه تجربه در مورد ایرانیان و خاصه جوانان بهائی نشان داده این توج و اشتغال  
در نقاط مهاجرتی باوج کمال و درخشش میرسد .

عظیم و کجاست بحسب روحانی زین

# جنود و مملای اعلی

جناب میرزا مهدی اخوان الصفا در زادگاه خود شهر یزد بشغل بافتمنی مشغول بودند و مختصر سواد خواندن و نوشتن هم داشتند . در هنگامی که در این شهر بلوا شد و جمعی از اعیان جام شهادت نوشیدند (شرح فصل آن در تاریخ جناب محمد طاهر مالیری مسطور است) جناب اخوان الصفا از دست اعدا جان سلامت بردند و عازم کوه محبوب شدند در هنگام تشرف بحضور حضرت عبدالبهاء هیکی مبارک امر فرمودند که شما باید برای امر مهم تبلیغ حرکت نمائید ایشان در نهایت خجلت و انفعال اظهار داشتند قربان من نه سواد دارم و نه قوه تکلم .

مجددا امر فرمودند . باز جناب اخوان الصفا مراتب عجز و ناتوانی خود را در خصوص این موضوع عرض نمودند بالاخره برای بار سوم امر فرمودند و باز با ابراز عجز و زبونی ایشان مواجه شدند این بار هیکی مبارک فرمودند لازم است برای شما مثالی بیاورم . در ایامی که در بغداد بودیم یکی از اعیان حضور جمال مبارک مشرف شد و عرض نمود جمعی از اعیان هستیم و بقصد تفریح و تغیر آب و هوا عازم خارج شهر هستیم اجازه میخواهیم امر فرمائید حضرت عبدالبهاء را هم با خود ببریم . جمال اقدس ابهسی اجازه فرمودند و خلاصه جمعی با همه گونه وسائل و اغذیه لازم باچند رأس اسب حرکت نمودیم در بین راه یک نفر اسب سوار در نهایت کفایت و ضعف با جثه ای نحیف و لاغر و موهای ژولیده و ریش هائی که در اثر دود چپق زرد شده بود با اسبی لاغر و کم بنیه بما برخورد و پرسید سسر کرده این جمع کیست؟ یکی از همراهان پرسید چه حاجتی داری؟ گفت مقداری توتون . فوراً اجابت نمود . سپس گفت قند و چای بازی درنگ باو عنایت شد . سپس نان طلب کرد و آن هم اعطاء گردید و در آخرین تقاضا مبلغی هم وجه نقد خواست که آن هم در دسترسش گذارده شد و حرکت کرد . حاضرین به شخص سرکرده اظهار داشتند ما جمعی هستیم سالم و قوی و او یک نفر ضعیف و ناتوان چه شد که هرچه خواست فوراً در اختیارش گذاشتید . حکمت این عمل چه بود؟ اظهار داشت شما اطلاع ندارید . این شخص تنها نیست یکصد نفر از یاران مسلح او سوار بر اسب در پشت تپه صف بسته اند و اگر این شخص یک هو میکشید صد نفر بما حمله میکردند و ما نابود میشدیم .

حال ای اخوان الصفا تو حرکت کن بحض این که یک هو بکشی هزارها نفوس از ملکوت ابهی ترا یاری مینمایند . جنود تائید پشت سر تو صف بسته اند تو هو بکشی و ملاحظه نما چگونه تائید میرسد . بالاخره آن روح پاک باعث تصدیق جمع گیری گردید و همه عمر را در سفر و تبلیغ و تشویق دوستان صرف نمود .



# يك نفر هست

از نسرین رضوی

يك نفر هست که بی آید  
و شما را بخدا میخواند  
يكفر هست که هر جا رهتسان تاريك است  
شمع راهی بشما بی بخشد  
يكفر هست که از راه شما  
سنگها را همه بر میدارد .  
يكفر هست که هر جا که قدم بگذارید  
چشم او سوی شما میگردد  
يكفر هست که از پشت حصار  
باز هم او بشما مینگرد  
يكفر هست که صدایش  
گوشتان را آشناست  
و هر روز میآید و با بانگ بلند  
شمارا بخدا میخواند  
و شما هیچ نمیدانید این صدا از کیست  
وز کدامین سو؟  
يك خوب میدانید يكفر هست  
که هر جا رهتسان تاريك است  
شمع راهی بشما بی بخشد .



ترجمه و اقتباس از «طوری»

در اواخر سال ۱۹۶۷ لجنه ملی جوانان مالسری با طرح نقشه‌ای مخصوص از جوانان دعوت نمود که از تعطیلات خود برای سفرهای تشریفی استفاده نمایند. تعدادی از جوانان آن سامان باین ندا پاسخ مثبت داده به نقاط دور و نزدیک رهسپار گشتند. گانزان یکی از دانشجویان فعال دانشگاه مالی در کوالالمپور و منشی لجنه مذکور نیز در اجرای این منظور از کشور مالایا سفر ساراواک را اختیار کرد. اینک قسمتهائی از یادداشت‌های روزانه این جوان فیسور را از نظر خوانندگان گرامی میگذرانند.

.....

به اتفاق دو همسفر عزیز خود سنگاپور را — — — برگزیدید و مسائل مختلفه امری مورد بحث و تدقیق قرار گرفت. در یکی از این احتفالات بارقه حقیقت بقلب جوانی تابید و او را بنور ایمان روشنی بخشید. در یکی از این ایام که باران سخت میبارید ناگزیر در خانه ماندیم. صاحبخانه که پیرزنی روشن ضمیر بود در پذیرائی کوشید و با محبت و عطوفت خاص خود ما را شرمسار نمود. ناآهاری مهیا کرد و خوانی گسترد. ما نیز برای جبران زحمات و قدردانی از الطافش دست بکار تعمیرخانه و آسیاب خانه اوشدیم و در این ضمن از امر الهی با او سخن‌ها گفتیم. میزبان ما همان روز در منتهای سرور اظهار ایمان نمود. ما نیز در حالی که از این موفقیت سرمست بودیم با او وداع گفته بعد از ظهر آنروز رحل اقامت در خانه‌ای دیگر افکندیم. در اینجا هم تأییدات الهیه شامل حال شد و تمام افراد عائله‌ای که میزبانی ما را بعهده گرفته بودند بغور ایمان نائل گشتند.

روز بعد که بنقطه دیگر شتافتیم جوانی از اهلی کیا که زبان مالری را خوب صحبت میکرد نسبت به امر الله علاقه‌ای فراوان ابراز داشت و روز بعد تقاضای تسجیل نمود. بعضی از ساکنین این نقطه

به اتفاق دو همسفر عزیز خود سنگاپور را به پشت سر گذاشته راه سفر در پیش گرفتیم. شوق دیدار یارانی که از تولد روحانی آنان چندی نپسگشت و امکان درک لحظاتی که این ده نشینان پاکدل تولد جدیدی یابند ما را بجلو میکشاند. در اولین منزلگاه که کوچینگ نام داشت فیض ملاقات جناب دکتر فوز دار و خانم ایشان دست داد و با کسب دستورات و راهنمایی‌های لازمه از ایشان توشه و آذوقه معنوی فراهم گردید. از آنجا با قایق موتوری به موکاه حرکت کردیم و پس از وصول باین نقطه با دو چرخه‌هائی که کرایسه نمودیم خود را به پتانگ رسانیدیم. وظایف روحانی ما از این لحظه شروع میشد. به مناسبت يك يك احباب مراجعه و آنان را برای انعقاد جمله دعوت نمودیم. آنشب محفل ما روح و شور خاصی داشت. در این صفحات میسوترهای مسیحی برای جلب اهالی متوسل به کمکهای مادی شده‌اند. در این باره مذاکراتی بعمل آمد و اذهان یاران از این اقدام مبلغین مسیحی روشن شده حقیقت امر را دریافتند. این هیئیل جلسات در سایر نقاط نیز با جمعی کثیر از یاران و متحرران حقیقت برپا

و جالب بود یکی با کلاه و عینک دست و پا میزد و دیگری با البسه کلفتی که بر تن داشت قادر به شنا کردن نبود و در همان حال جامه دانی هم در دست گرفته بود. عاقبت به ساحل رسیدیم موتور قایق از کار افتاده بود. به نزدیک ترین خانه ای که در آن حوالی بود رفته سروتن و البسه خود را خشک کردیم و پس از تعمیر موتور مجدداً بسوی مقصدی که در نظر بود عازم شدیم اما بار دیگر دچار طوفان گشتیم و بالاخره در حالی که بشدت میلرزیدیم و لباس خشکی هم بر ایمان باقی نمانده بود به محل معهود رسیدیم. هریک لباس مختصری از صاحبخانه بعارت گرفته به جلسه ای که ترتیب انعقاد آن را از بدو ورود داده بودیم رفتیم. پس از خاتمه جلسه که دیگر رمقی در بدن نداشتیم به منزل مراجعت نمودیم و با ملیون ها پشه که در انتظار ما بودند به مبارزه مشغول گشتیم.

روز بعد البسه خیس خود را در جامه دانه ای خیس تر نهاده عزم مراجعت نمودیم. در بیسن راه با مردی که نهمسال ملاقات و مذاکرات امسری نمودیم که منجر به تصدیق او شد. در منزلگاه بعدی نیز تعدادی دیگر از اهالی از جمله یک نفر از اهل کنیا در ظل امرالله وارد شدند. در این نقطه که بروه نام دارد طی سه سال اخیر ۶۴ نفر به امرالله مؤمن گردیده اند و آنشب در میان این قیافه های نورانی محفل بسیار با شکوه و روحبخشی برپا گردید.

روز پانزدهم مارچ که به موكاه نقطه اولیه مراجعت کردیم نتیجه امتحانات در دانشگاه بدستم رسید. خدا را شکر قبل شده بودم. ارمغانی که از این سفر آورده و میتوانم به عموم احباب خصوصاً جوانان غیر امرالله هدیه نمایم این است که در این صفحات زمینه ای عجیب و بی نظیر جهت تبلیغ و تبشیر امرالله وجود دارد چه بسیار از ساکنین این دهات که در خانه های متفرق

بیم آن داشتند که با قبول دیانت بهائوسی از کمک های مادی میسیونرهای مسیحی محروم گردند ولی روز دیگر که اهالی ده برای انجام یکی از مراسم مذهبی کاتولیک گرد هم آمده بودند بسا پنج نفر از آنان مذاکرات امری بعمل آمد و هنگامی که آن نقطه را ترک میکردیم همگی ایمان خود را نسبت به امر حضرت بهاء الله ابراز داشتند. در دهکده ای دیگر پس از انعقاد جلسه ای که بسیاری از روستائیان در آن شرکت داشتند و درباره مسیحیت از نظر امر بهائی صحبت شد شش نفر مجذوب تعالیم مبارکه شده تقاضا نمودند که نام آنان در زمره احباب ثبت گردد. مرد جوانی هم که انقلاب شدیدی در قلب خود احساس میکرد نسبت به امرالله علاقه وافری ابراز داشت و اظهار ایمان خود را بیحد موکول نمود.

روز بعد که ۱۲ مارچ ۱۹۶۸ بود پس از تدارک وسائل سفر قصد نقطه ای دیگر نمودیم و در آنجا با یاران تازه تصدیق ملاقات نمود. درباره مسائل مختلفه امری به منظور تثبید معارف امسری آنها مذاکره و مطالبی را مورد مطالعه قرار دادیم در بین راه ماجرای مهیجی رخ داد و برخاطرات فراموش نشدنی ما در این سفر افزود.

بعلت بارندگی روز قبل آب رودخانه بسیار بالا آمده و باجویانی تند آنچه در مسیر خودی یافت میبرد. با این وضع قایق کوچک ما بر سطح رودخانه در حرکت بود که ناگهان قایق بزرگی از کنار ما عبور کرد و در اثر امواج بزرگی که ایجاد نمود قایق ما پراز آب شده بزر آب فرورفت. در حالی که هر سه نفر در آب شناور بودیم قایق را بسختی پساحل کشاندیم. قایق واگون شده بود و آنچه از وسائل که همراه داشتیم در رودخانه دستخوش جریان آب شد. آنچه بیشتر موجب تأثر ما شد از دست دادن دوربین و ضبط صوت ما بود. در عین حال منظره شناگری ما بسیار مضحک

# قسمتی از یک مکتوب

جناب روح الله در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در آذربایجان از مادر بزرگوار و در سال ۱۳۰۸ به همراهی پدر بزرگوارش باستان جمال اقدس ابهی مشرف شد و پس از اقول نیر اعظم بشرف لقا حضرت عبدالبهاء فائز گشت . سوادش کامل - خطش زیبا - نطقش بلیغ و ایمانش بسیار محکم بود و پس از همراهی با پسر در سفرهای عدیده عاقبت در سن دوازده سالگی در طهران بدست حاجب الدوله به همراه پدر بزرگوار شهید شد . نامه زیر قسمتی از یکی از مکتوبات ایشان است .

## سخن زبنا الاقدس الابهی

حمد و ثنا محسوب یکنار و محبوب بیهمتائی را سزااست که عباد خود را تائید نمود و توفیق بخشید که بتمام وجود از نار محبتش مشتعل شدند و بکمال همت بهر خدمت امرش قیام نمودند . در ظلمت امکان چون مهر تابان درخشیدند و مانند نسائم ربیع اشجار وجود را مهتر نمودند کسدرات عالم ایشان را از ذکر و ثنا منع ننمود و احزان کونیه ایشان را از وصف مالک بریه باز نداشت . صحائف شریفه و اوراق لطیفه آن محبوب روحانی متابعا و مترادفا رسیده و میرسد و از هر یک با ب مسرت و ابتهاج بوجه قلب ففتح میگردد . به راستی عرض مینمایم در تمام ممالک آذربایجان بصر این محرم به مشاهده طلعت نورانی آن محبوب روشن است و قلب این فانی بیاد آنحبیب گلشن از جمله اوامر محکمه و احکام متقنه که در اکثر الواح منزلت از سما امر مؤکدا نازل شده و در کتاب اقدس امر میرم الهی و حکم محکم سبحانی صادر و نازل بقوله تبارک و تعالی " انصروا یا قوم

مأخذ - مجموعه خطی منحصر فرد کتابخانه جناب توفیق طبیب زاده و اصل نامه بخط جناب روح الله میباشد .

..... قسطنی ازیک محبوب .....  
.....

اصفیائی الذین قاموا علی نصرۃ امری بین خلقی و ارتفاع کلمتی فی ملکسی  
اولئک انجم سما عنائتی و مصابیح هدایتی للخلائق اجمعین .....  
مع این امر عظیم و حکم کریم مشاهده فرمودید و آگاهی حاصل نمودید  
که سوای آن محبوب نفسی در این بلاد این عبد را نصرت ننمود یک  
طبقه از مدعیان محبت که باعمال شنیعه\* ظلمانیه عامل و به حسب  
ریاست دنیه گرفتار بهیچوجه راضی نبوده و نیستند که امثال این عبد  
در این دیار ساکن باشیم و سرا و جهر را در اطفاء نور الهی ساعی و  
جاهدند که مبادا در روشنی اعمال ظلمانیه آشکار شود و افعال شیطنیه  
نمودار گردد . بپریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم به هر لسانی بر  
ضد این مظلوم ناطق و به هر عنوانی در رد این غریب ناطق و البتہ  
برخی را از قبل و بعد استماع نموده و به هوش و فراست ایمانیه  
دریافت فرموده اند و طبقه دیگر دوستان لسانی که بالمواجهه  
اظهار محبت و مهربانی مینمایند و لکن بالعمل کذب معنوی و نفاق  
باطنی آشکار و هویدا . فنعم ما قال الرب فی حقهم بقوله تبارک و تعالی  
" اقول فخر عالمند و در عمل ننگ ام ..... "

## استخراج از بدایع الآثار

باشد دیگر ذلت و یأس و بلائی بدتر از آن وقتست  
که جمال مبارک را از طهران به خارج فرستادند؟  
دل سنگ میگذاخت. جمیع خوششان نالان، پریشان  
و بکی مأیوس بودند . اما آن هجرت سبب اعلا  
ندا و علو کلمة الله و بروز بشارات انبیا و هدایت  
ام دنیا شد . اگر آن هجرت نبود این امور ظاهر  
نی شد و این وقایع عظیمه هیچ یک تحقق نیافت .  
( بقیه در صفحه ۳۱۱ )

۱ - این را هم در جزء بیست و نهم بنویسید .  
فرمودند ایرانیها هر امر مهمی را میخواستند  
یادداشت کنند میگویند این را هم در جزء بیست  
و نهم بنویسید . حال به اصطلاح ایرانیها این  
را هم در جزء بیست و نهم در کتاب خود  
بنویسید که هر چه واقع شود سبب علو کلمة الله  
و نصرت امر الله است و لویظا هر کمال زحمت و ذلت





# مسابقه این شماره

سوالات ذیل از جلد دوم کتاب قرن بدیع *God Passes By* که حضرت ولی امرالله آنرا به زبان انگلیسی نگاشته و جناب نصرالله مودت به فارسی برگردانیده اند استخراج شده است. به یک نفر از کسانی که جواب صحیح سوالات را به آدرس (طهران - صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱) ارسال دارند به قید قرعه یک جلد کتاب مصابیح هدایت جلد ششم اهدا خواهد شد. متنی است ذیل نامه خود نام و نام خانوادگی سن و میزان تحصیلات را قید فرمائید.

- ۱- با ظهور حضرت اعلی چه دوره ای خاتمه پذیرفت و چه کورهائی بهم اتصال یافت؟
- ۲- نام اصلی حضرت طاهره چه بود و القاب قره العین و طاهره را چه کسانی بایشان عطا فرمودند
- ۳- مشارکت حضرت طاهره در بدشت از چه نظر حائز اهمیت بود؟
- ۴- منظور از وای سوم که یوحنا در مکاشفات بیان بشارت داده چیست؟
- ۵- حضرت رسول اکرم در قرآن اهمیت یوم ظهور را با چه آیاتی توصیف فرموده اند؟
- ۶- مدینه طهران از لسان اطهر حضرت اعلی و از قلم مطهر جمال اقدس ایمنی به چه خطباتی موصوف گشته؟
- ۷- میرزا آقاخان که بود و به چه لقبی ملقب گردید؟
- ۸- اقامت حضرت بها الله در بغداد چه اثری در مجاورین و مهاجرین بخشید و ضربه چه واقعه ای شد؟
- ۹- کتاب مستطاب ایقان در جواب مسئله چه کسی عز نزول یافت و نزول آیین کتاب چه اساسی را بنیان نهاد؟

## جواب مسابقه شماره ۱-۲

چنان که خوانندگان عزیز مستحضرنند از آغاز سال جاری مسابقاتی از کتب مختلفه امری در قسمت نوجوانان طرح گردیده است. مسابقه شماره ۱ و ۲ از توفیق مبارک رضوان ۱۰۰ بود. جوابهای صحیح آن به شرح

..... جواب سابقه .....

زیر و برنده خانم شهناز رهنمای ربانی ( ایطانی ) از طهران میباشند که جایزه مشارالیهها ارسال شده است .

۱ - علائم بلوغ عالم چیست؟

... وحدت سیاسی و دینی و نژادی و اقتصادی و اجتماعی نوع بشر ... از علامات بلوغ عالم و از اعظم بشارات  
مصرحه در صحف الهیه نازله در ادوار سابقه و محور تعالیم مقدسه در این یوم عظیم است ...

۲ - امتداد کور الهی چند سال است؟

... این کور اعظم افخم بشارتش در متون صحف و زیر و کتب و اسفار و الواح از آدم تا خاتم مدون و در تاریخ  
شرایخ و ادیان از اول النبیین الی خاتم النبیین بی نظیر و عدیل و مثیل و سابقه است بشأنی بزرگوار است که  
امتدادش ..... سال است .

۳ - اولین مشرق الاذکار دنیا در کجا بنا گشت؟

... اولین مشرق الاذکار بهائی در ~~همین~~ عشق بکمال اتقان و انتظام فراهم گردید ...

۴ - امتداد عهد اعلی چند سال است؟

... عهد اول این عصر مبارک عهد اعلی و متناسب بنقطه اولی و مرتکز بر احکام بیان صادره از قلم آن قره عین  
انبیاء و اصفیاء امتدادش نه سال است ...

۵ - اعلان قائمیت در کجا انجام شد؟

... در عاصمه ایالت آذربایجان اعلان قائمیت از قم محبوب انام بسبع و لیعهد و علمای اعلام و احکام عظام  
برسید .

۶ - ملکه رومانیای طی چند اعلامیه امر الهی را گوشزد جهانیان ساخت؟

... ملکه نیک اخصال فرخنده فال ندای امر ذوالجلال را لبیک گفت و در هفت اعلان از اعلانیهای متابعه  
مهیجه اش امر الله را ستایش نمود ...

۷ - مخاببین قلم اعلی در سوره الطوک و سایر الواح ملوک چه کسانی بودند؟

... خطاب مهیمن در سوره طوک و الواح اخری از قلم قیوم الارض و السماء بطوک و سلاطین جمعا و مفردا  
و خلفا و امراء و علما و فقها و وزراء و سفراء و اثنیاء و فقراء و شعرا و ادبا و حکما و عرفا و همچنین به جبر  
اعظم و معشر بطارقه و مطارنه و اساقفه و قسیسین و رهبان و ملوک مسیحیه و مشایخ مدینه کبیره و رؤسای  
جمهور در قاره امریک و زوای سالی مجوس و ملائک انجیل و ابنا و خلیل و وراث کلیم و رؤسای بیان و اصحاب مجالس  
در دیار کالغیت الهاطل نازل گشت ...

۸ - عصر ثانی دور بهائی موسوم به چیست؟

حلول عصر ثانی ایسن دور مشمشع کور مقدس در عصر ثامن قرن اول بهائی و واحد خامس تاریخ بیانی موسوم  
به عصر تکوین و موصوف به عصر انتقال ...

۹ - راجع به صلح اصغر چه میفرمایند؟

... صلح اصغر عالم را از بلای عظیم و داء و میل نجات دهد موهبت وحدت عالم انسانی رخ بگشاید و قطعات  
خمسه حکم یک قطعه یابد .

بیا تا برخیزیم و بخوریم ( بقیه از صفحه ۳۰۲ )

ج - بدست آوردن مال و مقام . اگر تحصیل علم را تمهیدی میدانی برای ساختن آینده مادی باز هم جسای حرف باقی است زیرا بفرموده مبارك " ثروت عالم را وفائی نه آنچه را فنا اخذ نماید و تخیر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم فضل الانسان فی الخدمه و الكمال لا فی الرزقة و الثروت و المال . " ممکن است برای عده ای هم مال و مقام حاصله از علم و دانش واسطه باشد نه هدف غائی مخصوصاً در ایران بعضی جوانان بهائی چنین بی اندیشند که با کک ایندو امکان خدماتشان به عالم امر بیشتر میشود چنین فکری را نمیتوان بکلی نادیده گرفت لکن نکته اینجاست که اگر در ابتدای نقشه ده ساله همه مجاهدین چنین میاندیشیدند آن همه فتوحات در موقع خود چگونه بدست میآمد؟ نقشه نه ساله دیوان عدل اعظم الهی و جامعه امر امروز به خدمات مهاجرین بخصوص مهاجرینی جوان و پر شور نیاز دارد و الا برای فردا چه مجالی خواهد بود ؟

وقتی کاروانیان به منزل درآمدند درخشش ستارگان به چه کار میآید و چون کشتی شکستگان بساحل مراد رسیدند کوشش ناخدا یان دیر رس به چه نماید ؟

.....

سواحل مستعد ( بقیه از صفحه ۳۰۶ )

سکونت دارند و در انتظارند که یاران الهی بسوی آنان بشتابند . محبت و صمیمیتی که بهائیان نسبت به این نفوس پاک دل مجری میدارند بیش از ککهای مادی میسیونرهای مسیحی آنان را مجذوب میسازد . آنچه در این نقاط مورد احتیاج واقعی است قیام نفوس منقطع و فداکاری است که با صرف وقت بیشتری باین صفحات سفر کنند و سکه منتظر و مستعد آنها در اقبال بامر مبارك یاری و مدد نمایند .

.....

استخراج از بدایع الانار ( بقیه از صفحه ۳۰۸ )

۲ - فقیر صابر بهتر از غنی شاکر است اما فقیر شاکر بهتر از فقیر صابر است و بهتر از همه غنی منفق است که از امتحان خالص مانده و سبب آسایش نوع انسان گشته با آنکه شکر سبب ازدیاد نعمت است ولی کمال شکر به انفاق است و مقام انفاق اعظم مقامات .

بعد حکایت فرمودند که یکی از پادشاهان وقت مردن آرزوی مقام فقرا را مینمود و میگفت کاش من فقیر بودم که اولاً ظلم نمی نمودم و ثانیاً دم آخر حسرتی نداشتم . فقیری شنید و گفت الحمد لله که ملوک وقت موت آرزوی فقیر بودن مینمایند ولی ما فقرا وقت مردن هم آرزوی اینکه کاش پادشاه بودیم نمی کنیم .